

مدل‌سازی ساختاری و تبیین علی ارزیابی جوامع روستایی از کیفیت زندگی و عوامل مؤثر بر آن

عباس امینی، استادیار، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، ایران*

فرزانه صادقیان، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، ایران

طیبه زاهدی، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، ایران

چکیده

ارزیابی و ادراک جوامع و مردمان روستایی از کیفیت زندگی، همچون واقعیت زندگی آنان، از عوامل ملموس و ناملموس بسیاری متأثر است. این ارزیابی، انعکاسی از شرایط و اوضاع قلمرو زندگی و سپهر اندیشگی آن‌ها است. سنجش و تحلیل جامع این ارزیابی نیز سنجش است هم برای ارزیابی و تحلیل سطح توسعه و برخورداری این جوامع از شرایط فیزیکی و عینی سکونتگاهی و هم ذهنیت و نگرش آن‌ها به زندگی روستایی و مقتضیات آن در مقایسه با تصور و ادراکی که به‌ویژه از زندگی شهری دارند. مطالعه حاضر، کیفیت زندگی در بخش‌هایی از جوامع روستایی استان‌های اصفهان و کرمان را ارزیابی و عوامل مؤثر بر آن را تحلیل علی کرده است. بخش عمده‌ای از مطالعه، تدوین چارچوبی نظریه‌مند برای سنجش «خود-ارزیابی» از کیفیت زندگی و مقیاس‌سازی برای مجموعه جامع و متنوعی از متغیرهای اثرگذار بر آن بوده است. بر اساس توصیف آماری متغیرها، گذشته از تفاوت‌هایی جزئی، در ارزیابی ابعاد و مؤلفه‌های مختلف کیفیت زندگی، بین مناطق دوگانه روستایی و گروه‌های دوگانه سن، جنس و تأهل پاسخگویان، اختلاف معناداری مشاهده نشد. روابط پیچیده و چندگانه بین متغیرها و اثرگذاری‌های مستقیم و غیرمستقیم آن‌ها بر ارزیابی از کیفیت زندگی، با استفاده از رویکردهای آماری تحلیل مسیر و مدل‌سازی معادله‌های ساختاری، واکاوی و تحلیل علی شد. با شناسایی و تدوین مدل مفهومی-تحلیلی مطالعه، علاوه بر مدل ساختاری اصلی برای تحلیل متغیر وابسته، روابط درونی بین متغیرهای مستقل نیز با پنج مدل مسیر علی، ارزیابی و تحلیل و نتایج حاصل به تفصیل تشریح شد. در مجموع آثار مستقیم و غیرمستقیم، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، وضعیت مسکن، فعالیت‌های تفریحی و امکانات و تسهیلات، به ترتیب اثرگذارترین عوامل مثبت بر ارزیابی جوامع روستایی از کیفیت زندگی بوده و پس از آن‌ها، احساس محرومیت نسبی، عوامل استرس‌زا و سن نیز متغیرهای اثرگذار منفی بوده‌اند. درانتها، اعتبارسنجی نتایج و برآوردهای مدل‌سازی علی-ساختاری مطالعه آمده و پیشنهادهایی هم برای ادامه کار ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: ارزیابی از کیفیت زندگی، جوامع روستایی، مدل‌سازی ساختاری، تحلیل مسیر، دهقان، بردسیر.

مقدمه و بیان مسأله

کیفیت زندگی، سنجش و ارزیابی آن و بررسی عوامل تأثیرگذار بر آن، حوزه‌ای از مطالعات علوم اجتماعی است که قدمت زیاد و پیشینه‌ای نسبتاً غنی دارد و به‌طور عمده و به‌ویژه از ابتدا، به جوامع شهری معطوف بوده است. بررسی پیشینه این مطالعات نشان می‌دهد با ورود این مفهوم به حیطه مطالعات و پژوهش‌های جغرافیایی، سمت و سوی روستایی نیز یافته است؛ به عبارتی، رویکرد پژوهشگران علوم جغرافیایی به مقوله کیفیت زندگی در بطن مطالعات روستایی آن‌ها نهفته است. این بدین معناست که کیفیت زندگی در پژوهش‌های جغرافیایی دربردارنده ابعاد و جوانبی است که به تفاوت‌های مناطق شهری و روستایی ناظر باشد. مرور این مطالعات نشان می‌دهد مؤلفه‌های محیطی، دسترسی‌ها و برخورداری از ضروریات زندگی، شاید مهم‌ترین آن‌ها باشد. به این ترتیب از نگاه جغرافیایی، کیفیت زندگی - به‌ویژه در مناطق و جوامع روستایی - قبل از هر چیز دیگر، متضمن ابعاد و مؤلفه‌های کاملاً عینی است. این رویکرد از منظر روان‌شناسی و جامعه‌شناسی توسعه نیز بحث‌پذیر و توجیه‌شدنی است و به‌ویژه با نظریه سلسله‌مراتب نیازهای آبراهام مازلو همخوانی دارد. ریشه‌های چنین بینشی در پژوهشگران مطالعات روستایی و نیز چنین احساس نیازی از سوی مردمان این جوامع، تنها به کاستی‌های عینی (زیرساختی، امکانات و تسهیلات) و ضعف بنیان‌های محیطی روستایی بر نمی‌گردد؛ زیرا توسعه‌های کالبدی و فراهم‌شدن نسبی امکانات و تسهیلات فیزیکی و زیرساختی برای جامعه‌های روستایی، اگرچه تا اندازه زیادی به تخفیف یا رفع این قبیل کاستی‌ها انجامیده است؛ ارزیابی جوامع و مردمان روستایی از ارتقای کلیت و کیفیت زندگی‌شان و به عبارتی بهبود چستی و کیفیت زندگی در بطن جوامع روستایی از دیدگاه خود آن‌ها (خود-ارزیابی^۱ از کیفیت زندگی)، یکسره محدود و متأثر از همین اندازه نیست. مناطق روستایی، پیرامونی‌ترین بخش‌های هر جامعه‌ای هستند و این امر در

جوامع و کشورهای پیرامونی، از قبیل جامعه ما، نمود، بروز، تأثیر و تعیین‌کنندگی بمراتب بیشتری نیز دارد. تأثیر و در واقع جذبۀ مرکز برای پیرامون در سطوح مختلف آن، خواسته یا ناخواسته و آگاهانه یا ناآگاهانه، برانگیزاننده و موجد ادراک نابرخورداری‌هایی است که چون در اصل ناشی از امواج مدرنیته‌ای است که همواره از مرکز به سمت پیرامون جریان می‌یابد، با برخورداری‌های کالبدی، فیزیکی، زیرساختی و به‌طور کلی عینی برطرف نمی‌شود. واماندگی و جداافتادگی جوامع پیرامونی و حاشیه‌ای از جلوه‌های خیره‌کننده امواج مدرنیته، همراه با نابرابری‌های فضایی و بی‌تعادلی‌هایی که همواره جوامع پیرامونی (و به‌ویژه جوامع روستایی) در مقایسه با مراکز (که به‌طور عمده جوامع شهری هستند) از آن‌ها رنج برده و می‌برند، به ادراک و احساس انواع مختلف از محرومیت‌هایی - به‌ویژه در میان نسل‌های جوان‌تر این جوامع - دامن می‌زند که تأثیر مستقیم و اولیه آن در ارزیابی آن‌ها از کیفیت زندگی‌شان انعکاس می‌یابد. این تأثیر که در ابتدا ذهنی، احساسی و نگرشی است، در ادامه به شکل‌گیری انگیزش‌هایی می‌انجامد که بروز نهایی آن‌ها در کنش‌ها و رفتارهای افراد متجلی می‌شود. اگرچه دامنه شمول، در فرایند تغییر در نگرش‌ها، سپس انگیزش‌ها و در نهایت کنش‌ها، تنگ‌تر می‌شود و به عبارتی تغییر نگرش‌ها تماماً به انگیزش‌های تازه و انگیزش‌ها نیز همگی به کنش‌های عملی ختم نمی‌شوند و بروز رفتاری نمی‌یابند؛ دامنه و شدت تأثیر کنش‌های برآمده از چنین تغییر نگرش‌هایی، علاوه بر گستردگی و ژرفا، ماندگاری و تبعات پس‌آیند و هم‌افزایانه دیگری هم دارند. تغییر نگرش‌هایی مانند شهرگرایی، انگیزه‌هایی از قبیل تمایل به ترک و گریز از روستا و در پی آن‌ها کنش‌هایی همچون مهاجرت‌های روستاشهری که در مواردی حتی به خالی‌شدن روستاها و سکونتگاه‌هایی از جمعیت منجر می‌شود (و متأسفانه نمونه‌هایی از این نوع در دهه‌ها و سال‌های اخیر در گوشه و کنار مناطق روستایی کشور کم نیستند)، نمونه‌هایی از تغییر در نگرش، انگیزش و کنش مردمان و ساکنان جوامع روستایی پیرامونی است که

^۱ self-evaluation

مطالعات مشابه در این زمینه، تفصیل روش‌شناسی پژوهش، ارائه تحلیل‌ها و بحث پیرامون نتایج آن‌ها و درنهایت نتیجه‌گیری از مطالب ارائه شده است.

مبانی نظری

کیفیت زندگی به معنی زندگی خوب و خوب زیستن نیز همان زیستن با کیفیت بالا است. همه مذاهب و فلسفه‌های بزرگ، مفهومی از زندگی خوب را به‌عنوان الگویی از چگونه زیستن ارائه می‌دهند. مفاهیم مرتبط با زندگی خوب در هر جامعه‌ای با وضع و حال و چگونگی فرهنگی که جزئی از آن است، گره می‌خورد و برای مثال اگر از دیدگاه فرهنگ غربی، شادمانی، برآوردن نیازها و کنش‌های اجتماعی، مؤلفه‌هایی از یک زندگی خوب به شمار می‌آیند، در تقریباً همه فرهنگ‌های شرقی نیز نوعی استعلاجی و فراروی از سطح زندگی عادی و روزمره، همواره مؤلفه‌ای از زندگی خوب تلقی شده است. مفاهیم مختلف مرتبط با کیفیت زندگی به‌طور کلی در سه گروه عمده تقسیم‌شدنی است که هرکدام با جوهی از زندگی در ارتباط هستند. این سه گروه عبارتند از: (Ventegodt et al., 2003a)

- کیفیت‌های روانی و ذهنی زندگی؛ بدین مفهوم که هر شخصی چگونه و به چه میزان، زندگی خودش را خوب احساس می‌کند و چگونه مفاهیم، احساس‌ها و پیرامون خودش را ارزیابی می‌کند.

- کیفیت‌ها و جوانب زیستی زندگی که با جوه بیولوژیک و بیش از آن با تعادل و توازن بیولوژیکی و زیستی حیات انسانی مرتبط است.

- کیفیت‌های عینی زندگی؛ به این معنی که چگونه زندگی فردی از بیرون، ادراک و ارزیابی می‌شود. این کیفیت‌ها، رابطه‌ای تنگاتنگ با فرهنگ جامعه دارند. وضعیت و پایگاه اقتصادی و اجتماعی فرد نیز در همین مقوله می‌گنجد. به این ترتیب، به مفهوم زندگی خوب در گستره‌ای از بعد ذهنی تا بعد عینی می‌توان نگرست. در چنین گستره‌ای، مجموعه متنوعی از دیدگاه‌ها پیرامون این مفهوم می‌گنجد و به

در نتیجه ارزیابی مقایسه‌ای از ابعاد و جوانب مختلف و متنوع کیفیت زندگی، به نسبت مراکز شهری به وجود می‌آید. عواقب مختلف محیطی، اقتصادی و اجتماعی پسین آن‌ها - هم در مبادی روستایی و هم در مقاصد شهری - چندان نیازی به بازگویی ندارد.

به این ترتیب، اگرچه کیفیت زندگی، مفهوم تازه‌ای نیست و پیشینه مطالعاتی گسترده‌ای هم دارد؛ با ارائه تعریف تا حد ممکن جامعی از این مفهوم و به‌ویژه مقیاس‌سازی معتبری برای عملیاتی کردن آن در رابطه با جوامع روستایی، به سازه‌ای برای تحلیل ارزیابی ساکنان این جوامع از شرایطی که در آن زندگی و فکر می‌کنند، می‌توان دست یافت؛ به عبارت دیگر «ارزیابی جوامع و مردمان روستایی از کیفیت زندگی‌شان» به‌عنوان متغیری وابسته و متأثر از مجموعه متغیرها و عوامل عینی و ملموس محیطی، اقتصادی و اجتماعی و جوانب ناملموس نگرشی و ذهنی، هم سنج‌های برای ارزیابی و تحلیل سطح توسعه این جوامع و برخورداری آن‌ها از شرایط و جوانب فیزیکی و عینی سکونتگاهی است و هم انعکاسی است از ذهنیت و نحوه نگرش آن‌ها به زندگی روستایی و مقتضیات آن، به‌ویژه در مقایسه با تصور و ادراکی که از شهرنشینی و زندگی شهری دارند.

مطالعه حاضر تحلیلی است بر ارزیابی جوامع روستایی شهرستان‌های دهقان و بردسیر در استان‌های اصفهان و کرمان از کیفیت زندگی روستایی و واکاوی علی شرایط و عواملی که مستقیم و غیرمستقیم، بر این ارزیابی تأثیر می‌گذارند. بر اساس این، «خود-ارزیابی از کیفیت زندگی روستایی»^۱، سازه و مفهوم محوری مطالعه است و واکاوی و تبیین علی آن نیز با مقیاس‌سازی و سنجش مجموعه نسبتاً جامعی از متغیرهای مستقل و تحلیل روابط پیچیده بین آن‌ها، با بهره‌گیری از رویکردهای آماری مدل‌سازی معادلات ساختاری و تحلیل مسیر انجام شده است. ادامه نوشتار، معرفی چارچوبی مفهومی برای سازه ارزیابی از کیفیت زندگی (برای فراهم‌شدن مبنایی برای ساختن ابزار سنجش آن) و اشاره مختصری به برخی

^۱ RSEQOL: rural self-evaluation quality of life

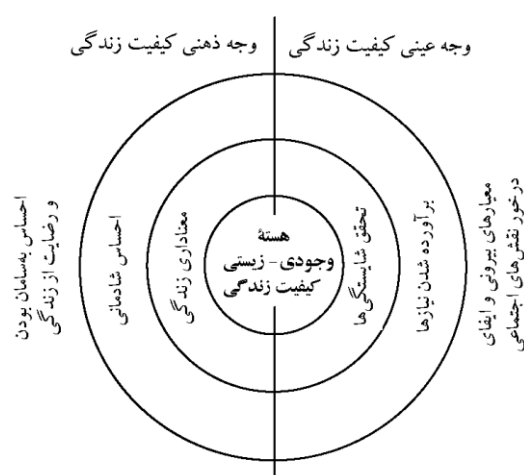
مطابق مدل بالا هرکدام از دو جنبه عینی و ذهنی، چهار مؤلفه دارد که متناظر با هم و به قرینه یکدیگر در اطراف عنصر وجودی و زیستی، مفهوم و کلیت نسبتاً جامعی را از کیفیت زندگی ارائه می‌دهد. ادامه بحث، دربردارنده شرح مختصری راجع به این مؤلفه‌های هشتمگانه و ارائه بومی آن‌ها است.

- حال و احساس خوب نسبت به کلیت زندگی و سر و سامان آن²: طبیعی‌ترین احساسی که هر کسی راجع به کلیت خود دارد. یک ارزیابی لحظه‌ای و نه چندان عمیق (در مقایسه با مؤلفه‌های دیگر) از مجموعه شرایط و جوانب زندگی که معمولاً در جواب پرسش‌هایی مانند «چگونه‌ای» یا «چه می‌کنی» به صورت خودانگیخته و طبیعی بیان می‌شود.

- رضایت از زندگی³: به‌طور کلی رضایت از زندگی یعنی داشتن احساس اینکه زندگی در مسیری پیش می‌رود که باید باشد؛ بنابراین علاوه بر آنکه سخت‌گیرانه‌تر و عمیق‌تر از ارزیابی قبلی است، ممکن است حتی با آن همسو نیز نباشد؛ به عبارتی ممکن است فردی احساس خوب داشته باشد، ولی چندان از زندگی راضی نباشد. به این ترتیب احساس رضایت از زندگی، به گذشته فرد و مجموعه تجربیات مثبت و منفی او نیز ارتباط دارد. به‌طور کلی حالتی ذهنی است که از هماهنگی و تطابق دنیای بیرون و دنیای درون حاصل می‌شود، خواه این هماهنگی با تغییر محیط و شرایط بیرونی مطابق با ایدئال‌ها و آرزوها و عینیت‌بخشیدن به رؤیایها حاصل شود و خواه با درون را رنگ بیرون‌زدن، درونی کردن و پذیرش واقعیت‌ها و کنار آمدن با آن‌ها به دست آید و رنگ و نشانی از تسلیم و رضا با خود به همراه داشته باشد. به دلیل همین ساز و کار پذیرش و تطابق است که با وجود فقر و بیماری و مشکلات نیز می‌توان راضی بود. بسیاری از نظریه‌های کیفیت زندگی بر رضایت‌مندی از زندگی، تأکید ویژه دارند و به دلیل ملموس بودن و سهولت بحث پیرامون آن، معمولاً به مفاهیم احساسی و شهودی ترجیح داده می‌شود. با وجود این، همه

این اعتبار چنین دیدگاهی را می‌توان جامع و یکپارچه¹ دانست. مفاهیم و مبانی نظریه‌مند درباره ابعاد مختلف کیفیت زندگی بسیار زیاد و متنوع است و علاوه بر گستردگی گستره مفهومی کیفیت زندگی، تلاش‌های زیادی نیز در قالب مدل‌ها و مقیاس‌های متنوعی از سوی اندیشمندان و پژوهشگران رشته‌های مختلف برای عملیاتی‌کردن و سنجش این سازه انجام شده است. بیان این تلاش‌ها و حتی برشمردن همه آن‌ها نیز در این مطالعه نمی‌گنجد؛ بنابراین در ادامه تنها به رویکردی به اختصار اشاره می‌کنیم که مبنای نظری مقیاس‌سازی و طراحی ابزار گردآوری داده و اجرای عملیات میدانی مطالعه حاضر بوده است.

با توجه به همپوشانی ماهوی سه جنبه کلی بالا از مفهوم کیفیت زندگی، ونتیگات، مریک و آندرسون، در سری مقالاتی متوالی (2003a-2003e) چارچوب و سازه تئوریک را برای مفهوم کیفیت زندگی در گستره‌ای از ابعاد ذهنی تا عینی و سنجش ابعاد مختلف و مفصل آن مطرح کرده و بسط داده‌اند، به گونه‌ای که عنصر وجودی یا زیستی به‌عنوان هسته‌ای انتزاعی، بیان‌نشده و سنجش‌ناپذیر، در میانه این طیف قرار می‌گیرد. در شکل 1 رویکرد تعدیل و بومی‌شده مورد اشاره، به‌طور شماتیک تصویر شده است.



شکل 1- ابعاد و مؤلفه‌های سازه کیفیت زندگی بر اساس مدل مفهومی تعدیل‌شده ونتیگات، مریک و آندرسون (2003)

² well-being

³ satisfaction with life

¹ integrative

کیفیت مزاجی و سلامت جسمی و روانی بررسی می‌شود. تعادل و نظم بیولوژیک و روابط متقابل و عملکرد بهینه ارگانسیم حیات علاوه بر غنابخشیدن به کیفیت زیستن، آگاهی فرد نسبت به کلیت زندگی و تجربه حیات (زنده‌اندیشی و زندگی آگاهی) را نیز ارتقا خواهد بخشید.

- تحقق شایستگی‌ها و به‌فعلیت‌درآمدن پتانسیل‌های زندگی^۴: بهره‌مندی نسبی از فرصت‌ها و فعالیت‌های خلاق زندگی از قبیل داشتن روابط اجتماعی خوب، شغل آبرومند، تشکیل خانواده و به‌طور کلی زندگی و فرصت حیات را به‌تمامی زیستن، باعث برقراری روابطی مثبت و سازنده با سطوح مختلف واقعیت‌ها و تحقق هرچه بیشتر تجربه حیات در پیوند و هماهنگی با طبیعت می‌شود.

- برآورده‌شدن و رفع نیازها^۵: در مقایسه با تحقق پتانسیل‌ها، این جنبه از کیفیت زندگی، سطحی‌تر و بسیار عینی‌تر است. رفع نیازها مرتبه‌ای بین جوانب شدیداً عمیق و حیاتی کیفیت زندگی و پدیدارهای عینی و سطحی آن است و تا اندازه‌ای با آرزوها و رضایت از زندگی نیز در رابطه است. غذا، پوشاک، امنیت و نیازهای دیگری از این نوع، همیشه در همه جا و بین همه انسان‌ها مشترک هستند. با این حال مقوله نیاز تنها به چیزهایی که باید از بیرون تهیه شوند، محدود نیست و جوانبی را نیز در بر می‌گیرد که فرد در درون خود باید آن‌ها را بیابد. تدوین سلسله‌مراتبی مازلو از جمله مهم‌ترین دسته‌بندی‌ها و تفکیک میان انواع نیازها به شمار می‌رود که از انواع و ابعاد کاملاً عینی و اولیه غذا، مسکن و روابط اجتماعی تا نیازهای انتزاعی‌تر خویشتن‌یابی و استعلاجی‌یابی ادامه پیدا می‌کند. به این ترتیب برخلاف تصور اولیه، نیاز، مفهوم چندان روشن و مشخصی نیست و هرچه بیشتر نیز کاویده شود، ماهیتش بیشتر مبهم و ناروشن جلوه می‌کند. به همین دلیل است که به توصیه بسیاری از پژوهشگران و به‌ویژه جامعه‌شناسان از کاوش زیاد در این

جوانب کیفیت زندگی را در بر نمی‌گیرد و سنجه جامعی برای کیفیت زندگی به ابعاد و مؤلفه‌های دیگری هم نیاز دارد.

- شادی و احساس شادمانی^۱: احساسی باارزش، مطلوب و سخت‌یافتنی که اگرچه با جسم نیز رابطه‌ای نزدیک دارد؛ تنها محدود به آن نیست و با کلیت وجودی و ماهیت انسانی هر فرد در رابطه است و از زیستن در تطابق و هماهنگی کامل با آن ناشی می‌شود. این احساس با تسلیم و رضا به دست نمی‌آید و با برخورداری مالی، حتی سلامتی و دیگر ابعاد عینی، همبستگی و ارتباط چندانی ندارد؛ اما از سویی با مؤلفه‌ها و تجربه‌هایی غیرمنطقی از قبیل عشق، هماهنگی با طبیعت و غیره همبسته است.

- معناداری زندگی^۲: وجهی از کیفیت زندگی که بیشتر فلسفی و عمیقاً فردی است. کمتر مورد بحث با همگان قرار می‌گیرد و بیشتر در مصاحبت با دوستان صمیمی و بستگان نزدیک ممکن است سخنی در مورد آن به میان آید. کیفیت پاسخ به پرسش‌هایی از این نوع که آیا در زندگی مسیر درستی را پیش گرفته‌ام؟ آیا از توان و استعدادم در راه درستی استفاده می‌کنم؟ و پرسش‌های نقادانه و خودسنجش‌گرانه دیگری از این قبیل در رابطه با کار و پیشه، رابطه با اطرافیان و غیره ناظر به این بعد درونی و ذهنی کیفیت زندگی است. جستجوی معنا در زندگی با این پذیرش ضمنی همراه است که زندگی می‌تواند معنادار یا بی‌معنا باشد و تعهدی نسبت به اصلاح مواردی وجود دارد که ممکن است زندگی را پوچ و عاری از معنا کند. البته این‌گونه پرسشگری‌های فلسفی از چیستی و چرایی زندگی که همواره همه مذاهب بزرگ نیز به آن توجه کرده‌اند، به‌ندرت اتفاق می‌افتد و شاید کمتر فردی هم به‌دنبال پاسخی قطعی برای آن‌ها باشد؛ زیرا ممکن است روال عادی و امنیت روزمره زندگی را با مخاطره همراه کند.

- سلامت مزاج و تعادل و توازن زیستی^۳: از این منظر، تجربه و کیفیت زیستن در ارتباط و هماهنگی کامل با وضع و

¹ happiness

² meaning in life

³ state of existential balance

⁴ realizing of life potential

⁵ fulfillment of needs

و شاخص‌های متنوعی را می‌توان استخراج کرد که برای عملیاتی‌کردن و سنجش این مفهوم معرفی شده است. برای جلوگیری از طولانی‌شدن بحث و افزایش حجم مقاله، دسته‌بندی، خلاصه‌سازی و ارائه مختصری از رویکردهای نظری مطالعات بسیاری که در این رابطه مرور شده‌اند، در جدول ۱ آورده شده است.

رابطه باید دوری کرد و به تعاریف و ادراک‌های مشترکی از آن بسنده کرد که در بین همه فرهنگ‌ها وجود دارد.

- معیارهای بیرونی و ایفای درخور نقش‌های اجتماعی^۱: معیارهای نسبتاً ساده و ملموس بیرونی مانند درآمد خوب، آموزش، دوستان و روابط اجتماعی قابل اعتماد، تعداد تماس‌های روزانه با دیگران و غیره، هرکدام به نوعی توانایی کنش و انجام هنجارهای اجتماعی را ارتقا می‌بخشند و به حضور مفید و مؤثر فرد در اجتماع کمک می‌کنند. این عوامل و معیارها در واقع نشان‌دهنده توانایی فرد برای تطابق با اقتضائات فرهنگی جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند.

در میان ابعاد فوق همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد، چهار مورد نخست به جوانب ذهنی و موارد اخیر به جوانب عینی کیفیت زندگی اشاره دارند. به‌طور خلاصه نخستین و هشتمین مورد، سطحی‌ترین مواردی هستند که به تطابق با فرهنگ و هنجارهای فرهنگی مربوط می‌شوند. دومین و هفتمین مورد، جنبه‌های عمیق‌تری هستند که به تفاوتی اشاره دارند بین آنچه فرد از زندگی می‌خواهد و آنچه زندگی به او داده است. موارد بعدی نشان‌دهنده ساز و کار عمیق‌ترین وجوه ماهیت فرد انسانی در کیفیت زندگی است و دو مورد چهارم و پنجم نیز از درونی‌ترین تجربه‌های بودن و فرصت حیات را زیستن بحث می‌کنند.

با توجه به آنچه به‌طور اختصار بیان شد، در ادامه برای سنجش جنبه ذهنی ارزیابی از کیفیت زندگی، سه مؤلفه احساس بسامان‌بودن و رضایت از زندگی، احساس شادمانی و معناداری زندگی و برای سنجش جنبه عینی آن نیز سه مؤلفه میزان تحقق پتانسیل‌ها، برآورده‌شدن نیازها و عوامل و معیارهای بیرونی، با طراحی و تدوین گویه‌های متنوعی متناسب با اقتضائات جوامع روستایی عملیاتی شده‌اند.

به مفهوم کیفیت زندگی از زوایای دیگر و در چارچوب‌های تئوریک دیگری نیز نگریسته شده است و با مرور منابع و متون فراوانی که در این رابطه وجود دارند، ابعاد

¹ objective factors

جدول ۱- تقسیم‌بندی و خلاصه‌ای از رویکردهای نظری مطالعات انجام‌شده برای سنجش کیفیت زندگی

ابعاد	مؤلفه‌ها	منبع
زندگی	اشتغال و درآمد	ماجدی و لهسایی‌زاده، ۱۳۸۵؛ رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۷؛ پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰؛ رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰؛ اسپلبرگ و همکاران، ۲۰۰۷؛ آگناوا هیملبرگر و همکاران، ۲۰۱۳
	تولید	رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۷
	پس‌انداز	رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰
	ثروت	رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸؛ ماجدی و لهسایی‌زاده، ۱۳۸۵
	تغذیه	غفاری و اوتق، ۱۳۸۵
	تفریح و اوقات فراغت	ربانی خوراسگانی و کیانپور، ۱۳۸۶؛ رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸؛ رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰؛ پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰؛ بدری و همکاران، ۱۳۹۲؛ اسپلبرگ و همکاران، ۲۰۰۷
	مشارکت	رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸؛ رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰
	بهداشت و سلامت (بهبودی)	غفاری و اوتق، ۱۳۸۵؛ ربانی خوراسگانی و کیانپور، ۱۳۸۶؛ رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸؛ رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰؛ پورطاهری و همکاران، ۲۰۰۷؛ بدری و همکاران، ۱۳۹۲؛ ریکن و همکاران، ۲۰۰۰
	امنیت	رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰؛ پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰؛ بدری و همکاران، ۱۳۹۲
	تحصیلات	ماجدی و لهسایی‌زاده، ۱۳۸۵
زندگی	آموزش	رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸؛ رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰؛ پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰؛ آگناوا هیملبرگر و همکاران، ۲۰۱۳
	امید به زندگی	داسکوپتا و ویل، ۱۹۹۲؛ اسپلبرگ و همکاران، ۲۰۰۷
	نرخ باسوادی	داسکوپتا و ویل، ۱۹۹۲
	وضعیت فرهنگی	غفاری و اوتق، ۱۳۸۵
	کیفیت محیط مسکونی	ربانی خوراسگانی و کیانپور، ۱۳۸۶؛ رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸؛ رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰؛ پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰؛ ریکن و همکاران، ۲۰۰۰؛ اسپلبرگ و همکاران، ۲۰۰۷؛ آگناوا هیملبرگر و همکاران، ۲۰۱۳
	زیرساخت‌ها	رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۷؛ رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰؛ پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰؛ بدری و همکاران، ۱۳۹۲
	خدمات	غفاری و اوتق، ۱۳۸۵؛ ربانی خوراسگانی و کیانپور، ۱۳۸۶؛ پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰
	آلودگی	رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۷؛ پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰
	دفع زباله و فاضلاب	رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰؛ پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰

متغیرهای مستقل تأثیرگذار نیز مستلزم کاوش در منابع و مبانی موجود و ارائه چارچوب‌های تئوریک است. از این‌رو، علاوه بر بهره‌گیری از مؤلفه‌های معرفی‌شده در منابع فوق، منابع و متون دیگری هم مرور شده است که تعیین‌کننده‌ها یا عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی را بررسی کرده‌اند. دسته‌بندی و خلاصه‌ای از عوامل مؤثر بر اساس این مطالعات نیز در جدول ۲ ارائه شده است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، رویکرد غالب در بیشتر این مطالعات، در نظر گرفتن ابعاد سه‌گانه اقتصادی، اجتماعی و محیطی برای کیفیت زندگی است و چنین به نظر می‌رسد که بسیاری از مؤلفه‌های معرفی‌شده، بیش از آنکه اجزای سازه کیفیت زندگی باشند، تعیین‌کننده‌ها و عوامل مؤثر بر آن هستند. در مطالعه حاضر که هدف آن علاوه بر سنجش ارزیابی از کیفیت زندگی، واکاوی و تبیین علی عوامل تأثیرگذار بر آن نیز است، شناسایی و عملیاتی‌کردن عوامل و

جدول ۲- عوامل تأثیرگذار بر کیفیت زندگی در برخی از مطالعات انجام شده در این زمینه

عوامل تأثیرگذار	منبع
سرمایه‌های اجتماعی	هالیول و پاتنام، ۲۰۰۴؛ و موری و همکاران، ۲۰۰۹؛ لیم و پاتنام، ۲۰۱۰ و منابع دیگر
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	سایمون و همکاران، ۲۰۰۳؛ اسپلبرگ و همکاران، ۲۰۰۷؛ شارون و همکاران، ۲۰۱۳
آموزش	لارسون، ۱۹۷۸؛ ریکن و همکاران، ۲۰۰۰
باورهای دینی	کجاف و رئیس‌پور، ۱۳۸۸؛ لیم و پاتنام، ۲۰۱۰
رضایت از خود	اسپلبرگ و همکاران، ۲۰۰۷
رضایت از دوستان	هالیول و پاتنام، ۲۰۰۴؛ زولینگ و همکاران، ۲۰۰۵
رضایت از خانواده	نایی، ۱۳۷۵؛ علی‌خواه، ۱۳۸۳؛ هالیول و پاتنام، ۲۰۰۴؛ زولینگ و همکاران، ۲۰۰۵؛ اسپلبرگ و همکاران، ۲۰۰۷
سلامتی	نایی، ۱۳۷۵؛ ابراین و همکاران، ۲۰۱۰
کیفیت اوقات فراغت	ریکن و همکاران، ۲۰۰۰؛ تریادو و همکاران، ۲۰۰۹
رضایت از شغل	نایی، ۱۳۷۵؛ علی‌خواه، ۱۳۸۳؛ هالیول و پاتنام، ۲۰۰۴
رضایت از مسکن	نایی، ۱۳۷۵؛ زولینگ و همکاران، ۲۰۰۵
درآمد	علی‌خواه، ۱۳۸۳؛ زولینگ و همکاران، ۲۰۰۵؛ و موری و همکاران، ۲۰۰۹؛ ابراین و همکاران، ۲۰۱۰
محرومیت نسبی	شاک اسمیت و همکاران، ۲۰۰۹؛ ابراین و همکاران، ۲۰۱۰
نگرانی و استرس	فیلسون و همکاران، ۲۰۰۳

به این ترتیب با مطالعه و بررسی تطبیقی منابع متنوع و مختلفی که در رابطه با عوامل تأثیرگذار بر (ارزیابی از) کیفیت زندگی انجام شد، مجموعه نسبتاً جامعی شامل «سن»، «پایگاه اقتصادی-اجتماعی»، «وضعیت مسکن»، «وضعیت و ویژگی‌های محیط»، «امکانات و تسهیلات موجود»، «سرمایه‌های اجتماعی»، «فعالیت‌های تفریحی مربوط به اوقات فراغت»، «احساس محرومیت نسبی» و «عوامل استرس‌زا»، به‌عنوان متغیرهای مستقل پژوهش شناسایی شد و مقیاس‌سازی برای سنجش و مدل‌سازی برای تحلیل آن‌ها به شرحی انجام شد که در قسمت‌های بعدی خواهد آمد.

مواد و روش‌ها

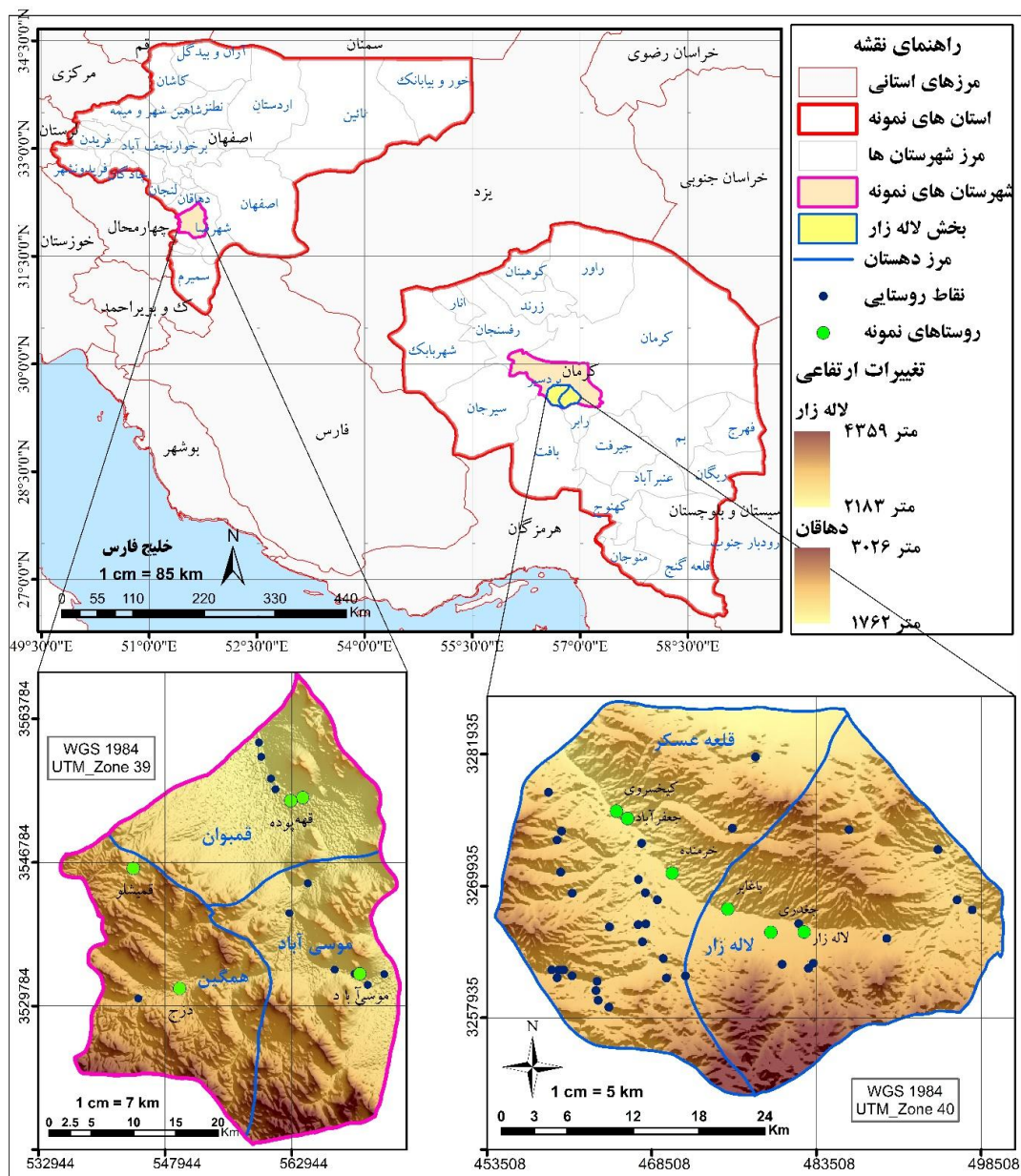
معرفی مختصر منطقه مورد مطالعه

همان‌گونه که اشاره شد، مطالعه حاضر در جوامع روستایی دو شهرستان دهقان در استان اصفهان و بردسیر در استان کرمان اجرا شده است. شهرستان دهقان در قسمت جنوبی استان اصفهان بین $۲۴^{\circ}۵۱'$ تا $۲۷^{\circ}۵۱'$ طول شرقی و $۳۱^{\circ}۳۱'$ تا $۳۱^{\circ}۱۷'$ عرض شمالی با ارتفاع متوسط ۲۰۵۰ متر از سطح دریا و در فاصله ۱۰۵ کیلومتری غرب مرکز استان واقع شده است.

این شهرستان از شرق به شهرستان شهرضا، از شمال به شهرستان مبارکه و از جنوب به شهرستان سمیرم محدود می‌شود و در ضلع غربی نیز همجوار شهرستان بروجرد از استان چهارمحال و بختیاری است. این شهرستان با ۳۴۸۴۴ نفر جمعیت، متشکل از یک بخش (مرکزی) و سه دهستان (قمبوان، موسی‌آباد و همگین) است و تا قبل از سرشماری ۱۳۸۵ بخشی از شهرستان شهرضا بوده است. بر اساس آخرین سرشماری (سال ۹۰)، در کمتر از ۲۰ روستای دارای سکنه این شهرستان، ۱۲۶۷۸ نفر زندگی می‌کنند (۳۶ درصد کل جمعیت). شهرستان بردسیر در غرب استان کرمان بین $۵۴^{\circ}۵۶'$ تا $۵۷^{\circ}۲'$ طول شرقی و $۲۹^{\circ}۳۸'$ تا $۲۹^{\circ}۷۰'$ عرض شمالی با ارتفاع متوسط ۲۳۰۰ متر از سطح دریا و در فاصله ۶۴ کیلومتری غرب مرکز استان واقع شده است. این شهرستان از شمال شرقی و شرق به شهرستان کرمان، از شمال غربی به شهرستان رفسنجان، از غرب به شهرستان سیرجان، از جنوب به شهرستان بافت و از جنوب شرقی به رابتر محدود می‌شود. این شهرستان نیز با ۷۳۷۳۸ نفر جمعیت، متشکل از دو بخش مرکزی و لاله‌زار است. بخش لاله‌زار که جزء دوم جامعه آماری پژوهش حاضر است، خود متشکل از دو دهستان قلعه

بخش لاله‌زار شهرستان بردسیر، روستاهای انتخاب‌شده از جامعه آماری پژوهش هستند. نقشه شکل ۱ که در محیط نرم‌افزار ArcGIS تهیه شده است، موقعیت ریاضی و جغرافیایی روستاهای نمونه را در بستر توپوگرافی مناطق مورد مطالعه همراه با موقعیت نسبی دیگر سکونتگاه‌های روستایی نشان می‌دهد.

عسکر و لاله‌زار است و بر اساس آخرین سرشماری (سال ۹۰) در حدود ۴۰ روستای دارای سکنه این بخش نیز ۵۸۷۷ نفر (معادل ۱/۲۴ درصد کل جمعیت شهرستان) زندگی می‌کنند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰؛ معاونت برنامه‌ریزی استانداری اصفهان، ۱۳۹۰؛ معاونت برنامه‌ریزی استانداری کرمان، ۱۳۹۰). روستاهای موسی‌آباد، دزج، قمیشلو، قهه و پوده از شهرستان دهاقان و لاله‌زار، جغدری، باغابر، خرمنده، جعفرآباد و کیخسروی از



شکل ۱- نقشه توپوگرافی و موقعیت جغرافیایی نسبی مناطق و روستاهای مورد مطالعه

داده‌ها، ابزار گردآوری و متغیرهای پژوهش

داده‌های استفاده‌شده در این مطالعه همگی دست اول است و با عملیات میدانی گسترده و به کمک پرسشنامه محقق‌ساخته مفصلی در رابطه با متغیرهای پژوهش و مصاحبه با افراد نمونه جمع‌آوری شده است. محتوای پرسشنامه از سه بخش اصلی تشکیل شده است. بخش اول، برخی از ویژگی‌های دموگرافیک فرد پاسخگو و سرپرست خانوار را شامل می‌شود. در بخش دوم که قسمت عمده پرسشنامه را در بر می‌گیرد، گویه‌های مربوط به متغیرهای مستقل تأثیرگذار (خواه مثبت و خواه منفی) بر ارزیابی فرد از کیفیت زندگی گنجانیده شده‌اند. شناسایی و گزینش این متغیرها، همان‌گونه که در مبانی نظری و بررسی پیشینه پژوهش آورده شد (مراجعه به جدول‌های ۱ و ۲) با بررسی مفصل و نسبتاً جامع مبانی موجود در این باره انجام شده است و مواردی از قبیل سن و پایگاه اقتصادی-اجتماعی فرد (متشکل از تحصیلات، وضعیت شغلی و وضعیت درآمدی فرد و خانوار)، وضعیت مسکن، وضعیت و ویژگی‌های محیط، امکانات و تسهیلات موجود، سرمایه‌های اجتماعی، فعالیت‌های ترمیمی و تفریحی، میزان احساس محرومیت نسبی و عوامل استرس‌زا را شامل می‌شود. بخش سوم پرسشنامه نیز شامل گویه‌های مفصلی درباره ارزیابی فرد پاسخگو از کیفیت زندگی خودش به‌عنوان متغیر وابسته اصلی پژوهش است. به این ترتیب رویکرد مطالعه حاضر برای بررسی و سنجش کیفیت زندگی، بر ارزیابی خود فرد پاسخگو از کیفیت زندگی‌اش مبتنی بوده است. در این خودارزیابی، بر هر دو جنبه عینی و ذهنی کیفیت زندگی تأکید شده و گویه‌های متنوعی درباره ابعاد مختلف هر دو جنبه در معرض ارزیابی پاسخگو قرار گرفته است. همان‌گونه که در مبانی نظری نیز اشاره شد، برای سنجش جنبه ذهنی سازه ارزیابی از کیفیت زندگی، ابعادی چون احساس بسامان‌بودن و رضایت از زندگی، احساس شادمانی و معناداری زندگی و برای سنجش جنبه عینی آن نیز گویه‌های متنوعی در رابطه با ابعاد میزان تحقق و به‌فعولیت درآمدن پتانسیل‌ها، توان و

شایستگی‌های بالقوه زندگی، برآورده‌شدن و رفع نیازها و عوامل و معیارهای عینی و بیرونی در رابطه با سلامتی و تعادل مزاج و ایفای درخور نقش‌های اجتماعی، به قرینه ابعاد ذهنی پیش‌گفته، در پرسشنامه گنجانیده شد. تمامی گویه‌های متغیرهای پژوهش در قالب طیف ۵ قسمتی لیکرت تنظیم شدند. معرفی، سنجش اعتبار و توصیف آماری تمامی متغیرهای مستقل و وابسته در جدول ۴ گزارش شده است. گفتنی است برخی از متغیرهایی که در بالا به‌عنوان متغیر مستقل به آن‌ها اشاره شد، به دلیل ماهیتشان، می‌توانند تحت تأثیر برخی دیگر از متغیرهای مستقل باشند و به عبارتی در فرایند تأثیرگذاری بر کیفیت زندگی، نقشی دوگانه و جایگاه میانه داشته باشند. چنین وضعیتی باعث می‌شود علاوه بر تأثیر مستقیمی که یک متغیر می‌تواند بر متغیر وابسته اصلی داشته باشد، آثار غیرمستقیمی را نیز از مسیرهای غیرمستقیم دیگر و با اثرگذاری بر متغیرهای دیگری که در رابطه با متغیر وابسته هستند و بر آن تأثیر مستقیم دارند، بر متغیر وابسته داشته باشد. از این رو، برای آنکه همه تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم احتمالی متغیرهای مستقل بر کیفیت زندگی شناسایی و مطالعه شود و نیز تأثیرپذیری‌های خود متغیرهای مستقل از یکدیگر نیز در سطوحی پایین‌تر بررسی شود، از رویکرد آماری تحلیل ساختار واریانس و کواریانس در قالب تکنیک پیشرفته تحلیل مسیر برای تحلیل داده‌ها و مطالعه روابط پیچیده و چندگانه بین متغیرهای پژوهش استفاده شده است. در بخش بعدی مقاله تلاش شده است به‌طور مختصر اما تقریباً جامع، این تکنیک آماری به‌لحاظ نظری معرفی شود.

روش پژوهش: تکنیک چندمتغیره تحلیل مسیر

روش و رویکرد آماری برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و تبیین آن‌ها، روش‌های پیشرفته آماری مدل‌سازی معادلات ساختاری^۱ (SEM) و تحلیل مسیر^۲ بوده است. SEM

^۱ SEM: structural equation modeling

^۲ path analysis

هر دو در یک معادله خطی به کار روند (منصورفر، ۱۳۸۵: ۱۹۵) و مشخص می‌کند که هر متغیر مستقل تا چه حد بر متغیر وابسته به‌طور مستقیم و غیرمستقیم اثر دارد؛ به عبارت دیگر تحلیل مسیر علاوه بر بررسی آثار مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، آثار غیرمستقیم این متغیرها را نیز مدنظر قرار می‌دهد و روابط بین متغیرها را مطابق واقعیت‌های موجود، در تحلیل وارد می‌کند (کلانتری، ۱۳۸۲: ۲۲۳). این روش، تکنیکی آماری برای درک و نمایش الگوی روابط علی در میان متغیرها است و به پژوهشگر توانایی می‌دهد به اهمیت نسبی پیوندهای مستقیم و غیرمستقیم و بی‌اثری تطابق مدل با مجموعه‌ای از داده‌ها پی برد؛ بنابراین اصل علیت^۳، بدین معنی که بپذیریم بین دو متغیر، هم‌تغییری وجود دارد و در این هم‌تغییری یک متغیر قبل و متغیر دیگر بعد قرار می‌گیرد، در کاربرد تحلیل مسیر نقش اساسی دارد (منصورفر، ۱۳۸۵: ۱۹۸). در این تحلیل، هدف، آزمون مدل تحلیلی پژوهش است که برآیند چارچوب نظری پژوهش است؛ بنابراین راهی برای ارزیابی میزان تناسب و همخوانی مجموعه‌ای از داده‌های تجربی با مدل نظری پژوهش است. بحث بیشتر در مورد هر کدام از این رویکردها در خلال ارائه و تحلیل نتایج انجام خواهد شد.

نتایج و بحث

توصیف جامعه و نمونه آماری

محاسبه حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران انجام شده و پس از انتخاب یازده روستا از بین روستاهای دارای سکنه جامعه مورد مطالعه (بر اساس جمعیت و پراکنش جغرافیایی) با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌ای و انتساب متناسب، به شرح جدول ۳ در بین این روستاها توزیع شده است.

رویکردی آماری برای آزمون فرضیه‌هایی درباره روابط بین متغیرهای مشاهده‌شده و پنهان است. متغیر پنهان متغیری است که به‌طور مستقیم اندازه‌گیری نمی‌شود، بلکه با استفاده از دو یا تعداد بیشتری از متغیرهای مشاهده‌شده در نقش معرف سنجش می‌شود. مدل‌های معادله ساختاری به‌طور معمول ترکیبی از مدل‌های اندازه‌گیری و مدل‌های ساختاری هستند. بر مبنای مدل‌های اندازه‌گیری مشخص می‌شود کدام متغیرهای مشاهده‌شده یا معرف‌های اندازه‌گیرنده، کدام متغیرهای پنهان هستند. مدل‌های ساختاری نیز مشخص می‌کنند کدام متغیرهای مستقل بر کدام متغیرهای وابسته تأثیر دارند و یا کدام متغیرها با یکدیگر همبسته‌اند. متغیرهای مشاهده‌شده نیز که در نقش معرف در مدل اندازه‌گیری هستند، همرا با خطای اندازه‌گیری در نظر گرفته می‌شوند. این متغیرهای خطا نیز چون به‌طور مستقیم اندازه‌گیری نمی‌شوند، در واقع نوعی متغیر پنهان هستند. خطاها، نشان‌دهنده همه متغیرهایی هستند که معرف غیر از متغیر پنهان اندازه‌گیری می‌شود و در واقع نمودی از ناتوانی متغیرهای مستقل حاضر در مدل در تبیین متغیر وابسته هستند (هومن، ۱۳۸۴ و قاسمی، ۱۳۸۹). SEM این مطلب را می‌آزماید که آیا معرف‌هایی که برای متغیر پنهان انتخاب شده‌اند، واقعاً معرف آن هستند یا نه. همچنین مشخص می‌کند معرف‌های انتخابی با چه دقتی معرف یا برازنده متغیر پنهان هستند؛ بنابراین در مدل اندازه‌گیری، تناسب معرف‌ها برای متغیر پنهان با تحلیل عاملی تأییدی^۱ (CFA) آزمون می‌شود و در مدل ساختاری نیز معرف‌ها و متغیر پنهان از راه‌های منطقی با هم مرتبط می‌شوند. به این ترتیب به‌ازای هر متغیر پنهان، یک مدل اندازه‌گیری وجود خواهد داشت.

تحلیل مسیر نیز از جمله آزمون‌های آماری است که با عنوان مدل‌سازی معادلات ساختاری شناخته شده‌اند و امکان آزمون روابط علی بین دو یا چند متغیر را فراهم می‌کند که ممکن است به‌صورت مستقل، وابسته، پنهان^۲ یا آشکار^۳ و یا

^۳ observed

^۴ causality

^۱ CFA: confirmatory factor analysis

^۲ latent

جدول ۳- توزیع و توصیف آماری ویژگی‌های دموگرافیکی نمونه

شهرستان	دهستان	روستا	حجم نمونه			سن (میانگین)	تأهل (درصد)	تحصیلات (میانگین)
			کل	مرد	زن			
دهاقان	موسی‌آباد	موسی‌آباد	۴۵	۲۲	۲۳	۲۶	۵۳	۱۲
	همگین	قمیشلو	۵۳	۳۲	۲۱	۳۰	۶۰	۱۲
		دزج	۲۸	۱۰	۱۸	۲۴	۵۰	۱۱
	قمبوان	پوده	۳۲	۱۷	۱۵	۲۷	۵۶	۱۲
		قهه	۴	۲	۲	۴۸	۱۰۰	۸
	مجموع	۵	۱۶۲	۸۳	۷۹	۲۷	۵۷	۱۲
بردسیر (بخش لاله‌زار)	لاله‌زار	لاله‌زار	۶۰	۳۴	۲۶	۳۶	۷۵	۱۲
		جغدری	۲۴	۱۶	۸	۳۶	۶۲	۸
		باغابر	۲۸	۱۶	۱۲	۳۸	۷۹	۱۲
	قلعه‌عسکر	کیخسروی	۲۰	۱۲	۸	۲۶	۵۰	۱۲
		خرمن‌ده	۲۵	۱۲	۱۳	۲۲	۵۲	۱۲
		جعفرآباد	۲۰	۱۳	۷	۲۹	۶۵	۱۲
	مجموع	۶	۱۷۷	۱۰۳	۷۴	۳۳	۶۷	۱۲
جمع کل		۱۱	۳۳۹	۱۸۶	۱۵۳	۳۰	۶۲	۱۲

سنجش اعتبار و توصیف آماری متغیرهای پژوهش

پیش از پردازش داده‌ها و تحلیل نهایی متغیرها، ابتدا ترکیب اولیه و توصیف آماری آن‌ها را بیان کردیم. جدول ۴ خلاصه‌ای از آماره‌های توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش، زیرمقیاس‌های تشکیل‌دهنده و تعداد و ترکیب گویه‌های مربوط به هر کدام از آن‌ها را همراه با نتایج اعتبارسنجی اولیه آن‌ها، پس از اجرای pre-test و بر اساس آزمون آلفای کرونباخ نشان می‌دهد.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، میانگین سنی پاسخگویان در مجموع در حدود ۳۰ سال است که نشان‌دهنده جوان‌بودن نسبی نمونه آماری است و متوسط سطح سواد آن‌ها نیز در حد دیپلم است. میانگین سنی از ۲۲ در روستای خرمن‌ده تا ۴۸ در روستای قهه متغیر بوده است که البته این روستا، کمترین جمعیت و به تبع آن سهم نمونه را داشته و به دلیل سالخوردگی بیشتر جمعیت، کمترین سطح سواد را نیز در بین روستاهای نمونه دارد. توزیع متغیرهای جنس و تأهل پاسخگویان نیز در کل و در همه روستاها نسبتاً در بین طبقات دوگانه این متغیرها متعادل بوده است.

جدول ۴- ترکیب مقیاس و توصیف آماری متغیرهای پژوهش

متغیر	نقش	ترکیب مقیاس		توصیف اولیه مقیاس		
		زیرمقیاس‌ها	گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	
سن	مستقل	---	---	۳۲	۱۱/۷	
امکانات و تسهیلات	مستقل	برخورداری از تسهیلات و امکانات آموزشی	۴ گویه	۲/۲۳	۰/۵۹	
		برخورداری از تسهیلات و امکانات بهداشتی	۵ گویه			
		برخورداری از تسهیلات و امکانات فرهنگی-تفریحی	۴ گویه			
		برخورداری از تسهیلات و امکانات زیربنایی	۳ گویه			
محیط	مستقل	کیفیات محیط (شامل: طبیعت، اقلیم، بهداشت، پتانسیل‌ها، زیست‌محیط، مخاطرات، مدیریت و ...)	۱۰ گویه	۲/۸۷	۰/۵۶	
		موقعیت، زیربنا، کیفیت مصالح، مایحتاج اساسی	۶ گویه	۲/۹۹	۰/۸۰	
وضعیت مسکن	مستقل/وابسته	تحصیلات پاسخگو	۱۰ سال	۴	---	
		تحصیلات	بیشترین تحصیلات در خانوار	۳ متغیر		۱۳ سال
		شغل	تعداد بی‌سوادان خانوار	۲ متغیر		<۱ نفر
		درآمد	شغل پاسخگو و سرپرست خانوار	۲ متغیر		---
پایگاه اقتصادی-اجتماعی (SES)	مستقل/وابسته	منزلت و رضایت شغلی	۶ گویه	۲/۰۴	۰/۴۸	
		درآمد و وضعیت اقتصادی	۶ گویه	۲/۹۵	۰/۶۰	
سرمايه اجتماعی	مستقل/وابسته	روابط اجتماعی (خانوادگی، فامیلی، مشارکت‌های جمعی)	۹ گویه	۲/۹۱	۰/۵۳	
		اعتماد اجتماعی	۴ گویه			
		انسجام اجتماعی	۵ گویه			
احساس محرومیت نسبی	مستقل/وابسته	در مقایسه با دیگران در جامعه محلی	۳ گویه	۲/۹۱	۰/۵۳	
		در مقایسه با دیگران در دیگر جوامع (شهری، ملی)	۳ گویه			
		ارزیابی نسبی موقعیت، ناکامی‌ها و علل آن	۶ گویه			
عوامل استرس‌زا	مستقل/وابسته	سلامتی و وضعیت جسمی	۲ گویه	۳/۳۲	۰/۷۰	
		وضع مالی، منابع تولید و درآمد	۵ گویه			
		امنیت و آینده شغلی	۲ گویه			
فعالیت‌های تفریحی	مستقل/وابسته	گرفتاری‌های خانوادگی و فامیلی و اوضاع اجتماعی	۳ گویه	۲/۶۳	۰/۶۹	
		فعالیت‌های هنری، ورزشی، معنویات، مطالعه، مسافرت، ...	۹ گویه			
		خودارزیابی	نقش‌های اجتماعی و معیارهای بیرونی			۵ گویه
ارزیابی از کیفیت زندگی (SEQOL)	مستقل	برآورده شدن نیازها	۳ گویه	۳/۱۹	۰/۵۰	
		کیفیت زندگی	تحقق پتانسیل و شایستگی‌ها			۵ گویه
		خودارزیابی	معناداری زندگی			۵ گویه
		از ابعاد ذهنی	احساس شادمانی			۴ گویه
		کیفیت زندگی	بسامان بودن و رضایت از زندگی			۵ گویه

خودارزیابی از کیفیت زندگی به‌عنوان متغیر وابسته اصلی است، اگرچه در هر دو مورد، میانگین تنها اندکی از حد متوسط طیف (۳) بیشتر بوده است. بقیه متغیرهای مستقل

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، بیشترین میانگین مربوط به متغیرهای عوامل استرس‌زا (به‌عنوان متغیر مستقلی که تأثیر منفی هم بر کیفیت زندگی و هم ارزیابی آن دارد) و نیز

مربوط را پس از اجرای پیش‌آزمون و حذف گویه‌های ناهمگون نشان می‌دهد، بیان‌کننده پایایی پذیرفتنی و در حد بالای همه اجزای پرسشنامه است.

در ادامه این قسمت، به دلیل اهمیت بیشتر متغیر خودارزیابی از کیفیت زندگی به عنوان متغیر وابسته و اصلی پژوهش، توصیف آماری این متغیر را به تفصیل ابعاد و مؤلفه‌های آن و به تفکیک هر کدام از بخش‌های نمونه، به شرح جدول ۵ می‌آوریم. تمامی گویه‌ها در سطوح مختلف، بعد از همسوسدن میانگین‌گیری شده‌اند.

همگی میانگینی کمتر از حد متوسط طیف دارند که کمترین آن نیز به پایگاه اقتصادی-اجتماعی به عنوان مهم‌ترین متغیر مستقل مربوط است. البته گفتنی است کمتر بودن میانگین متغیری مانند احساس محرومیت نسبی از حد متوسط، امری مطلوب تلقی می‌شود. انحراف معیار تمامی متغیرها نیز کمتر از ۰/۷ است که نتیجه‌ای مطلوب بوده و با توجه به دوبرخی بودن جامعه آماری، نشان‌دهنده همگونی نسبی آن و تمرکز بیشتر مقادیر متغیرها در اطراف میانگین آن‌ها است. نتایج آزمون آلفای کرونباخ درباره هر متغیر نیز که مقادیر

جدول ۵- توصیف آماری تفصیلی و تفکیکی متغیر وابسته ارزیابی جامعه روستایی نمونه از کیفیت زندگی

متغیر وابسته اصلی	کل	منطقه		سن (Md=۳۰)		جنس		تأهل	
		دهاقان	لاله‌زار	جوان	مسن	مرد	زن	مجرد	متاهل
ابعاد	نمونه	(n _۱ =۱۶۲)	(n _۲ =۱۷۷)	(n _۱ =۱۸۴)	(n _۲ =۱۵۵)	(n _۱ =۱۸۶)	(n _۲ =۱۵۳)	(n _۱ =۱۲۹)	(n _۲ =۲۱۰)
رضایتمندی احساس شادمانی معناداری زندگی	۳/۲۴	۳/۲۰	۳/۲۸	۳/۲۳	۳/۲۵	۳/۲۴	۳/۲۳	۳/۱۶	۳/۲۹
	۳/۱۷	۳/۱۷	۳/۱۷	۳/۱۷	۳/۱۷	۳/۱۱	۳/۲۵	۳/۱۹	۳/۱۶
	۳/۳۲	۳/۲۹	۳/۳۵	۳/۳۲	۳/۲۲	۳/۳۰	۳/۳۵	۳/۳۰	۳/۳۴
کل زیرمقیاس رفع نیازها جنبه عینی	۳/۲۴	۳/۲۲	۳/۲۶	۳/۲۴	۳/۲۵	۳/۲۲	۳/۲۸	۳/۲۱	۳/۲۶
	۳/۰۵	۲/۹۱	۳/۱۹	۳/۱۱	۳/۰۰	۳/۰۵	۳/۰۶	۳/۱۲	۳/۰۲
	۳/۰۷	۳/۱۰	۳/۰۴	۳/۱۰	۳/۰۴	۳/۰۹	۳/۰۵	۳/۰۵	۳/۰۹
شأن اجتماعی کل زیرمقیاس میانگین کل مقیاس	۳/۲۸	۳/۳۹	۳/۱۹	۳/۳۳	۳/۲۳	۳/۲۶	۳/۳۱	۳/۲۶	۳/۳۰
	۳/۱۴	۳/۱۴	۳/۱۴	۳/۱۸	۳/۰۹	۳/۱۴	۳/۱۴	۳/۱۴	۳/۱۴
	۳/۱۹	۳/۱۹	۳/۱۹	۳/۲۱	۳/۱۷	۳/۱۸	۳/۲۱	۳/۱۷	۳/۲۰

همان‌گونه که در ابتدای مقاله نیز اشاره شد، نشان‌دهنده اهمیت وجه عینی کیفیت زندگی در جوامع روستایی و ارزیابی و احساس آنان از ضعف‌های موجود در این زمینه، بر اثر نابرابری‌های فضایی است. در حالی که در هر دو منطقه و همچنین در مجموع، از میان مؤلفه‌های ذهنی، احساس شادمانی و در میان مؤلفه‌های عینی، برآورده شدن نیازها و تحقق شایستگی‌ها از ایفای درخور نقش‌ها و شئون اجتماعی، ضعیف‌تر از بقیه ارزیابی شده‌اند. در مجموع، یکسان بودن میانگین کل مقیاس در هر دو زیربخش جامعه آماری، نشان‌دهنده یکدستی و همگونی آن در رابطه با متغیر و موضوع اصلی پژوهش است. هر دو گروه سنی، مؤلفه‌های عینی کیفیت زندگی خود را کمتر و ضعیف‌تر از مؤلفه‌های

همان‌گونه که ملاحظه شد به جز متغیر عوامل استرس‌زا، میانگین ارزیابی از کیفیت زندگی از میانگین همه متغیرهای مستقل دیگر بیشتر و اندکی بیش از متوسط مقیاس است. جدول بالا نیز نشان می‌دهد علاوه بر کل مقیاس، تمامی ابعاد و مؤلفه‌های آن نیز خواه به‌طور کلی و خواه به تفکیک بخش‌های مختلف نمونه و طبقات جنس و تأهل، وضعیت مشابهی دارند. با وجود این، با دقت بیشتر می‌توان دریافت به‌طور کلی ارزیابی جامعه روستایی مورد مطالعه از جنبه عینی کیفیت زندگی (۳/۱۴) ضعیف‌تر از جنبه ذهنی آن (۳/۲۴) بوده است و این وضعیت در همه زیربخش‌های جامعه نیز دیده می‌شود. چنین وضعیتی در رابطه با جوامع روستایی، به‌ویژه در مقایسه با جوامع شهری، درک‌شدنی است و

است. به‌دست‌آوردن این‌گونه شاخص‌های ترکیبی با روش‌های مختلفی امکان‌پذیر است. در مطالعه حاضر با استفاده از سه روش میانگین‌گیری ساده، مجموع وزنی (با وزن‌های حاصل از آن‌روپی شانون) و تحلیل عاملی به مقیاس‌سازی و محاسبه شاخص‌های ترکیبی برای متغیرهای اصلی اقدام شد و درنهایت نتایج تحلیل عاملی به‌دلیل نرمال‌تربودن متغیرهای حاصل برای تحلیل‌های بعدی در نظر گرفته شدند. جدول ۶، نتایج حاصل از آزمون ناپارامتری اسمیرنف-کولموگروف برای سنجش نرمال‌بودن عامل‌های استخراجی را همراه با مقدار ویژه و درصد تبیین واریانس آن‌ها نشان می‌دهد. معنی‌دارنشده آماره این آزمون ($p > 0/05$) به این معنی است که اختلاف توزیع متغیر مدنظر با توزیع نرمال مورد انتظار برای آن معنی‌دار نیست و بنابراین توزیع، نرمال قلمداد می‌شود. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، نتایج نشان‌دهنده نرمال‌بودن تمامی عامل‌های استخراجی برای متغیرهای پژوهش به‌جز متغیر وضعیت محیط است. چنین نتیجه‌ای برای متغیرهای حاصل از دو روش دیگر (میانگین و مجموع وزنی) حاصل نشد. گفتنی است در مواردی از تحلیل‌های انجام‌شده بیش از یک عامل به دست آمد؛ اما تنها نخستین عامل، با بزرگ‌ترین مقدار ویژه و بیشترین درصد تبیین واریانس مجموعه گویه‌های اولیه به‌عنوان شاخص ترکیبی در نظر گرفته شده است.

ذهنی آن ارزیابی کرده‌اند. این اختلاف در سنین بالاتر، بیشتر بوده و باعث شده است در مجموع نیز ارزیابی از کیفیت زندگی در افراد مسن‌تر پایین‌تر از افراد جوان‌تر باشد. در مقایسه دو جنس نیز، ارزیابی کلی زنان از کیفیت زندگی، قدری بهتر از مردان بوده که با توجه به یکسان‌بودن این ارزیابی در رابطه با مؤلفه‌های عینی، ناشی از برتری ارزیابی زنان در رابطه با مؤلفه‌های ذهنی در مقایسه با مردان بوده است. این بار نیز در نزد هر دو جنس، به‌جز شأن و نقش‌های اجتماعی، دیگر مؤلفه‌های عینی با اختلاف درخور توجهی پایین‌تر و ضعیف‌تر از مؤلفه‌های ذهنی ارزیابی شده‌اند. درنهایت، با توجه به یکسان ارزیابی شدن وجه عینی کیفیت زندگی از سوی هر دو گروه افراد مجرد و متأهل، برتری ارزیابی افراد متأهل از وجه ذهنی کیفیت زندگی باعث شده است در مجموع نیز زندگی خود را قدری با کیفیت‌تر از افراد جوان ارزیابی کنند.

پردازش داده‌ها (مقیاس‌سازی متغیرهای پژوهش)

همان‌گونه که ملاحظه شد، هرکدام از متغیرهای اصلی مستقل و وابسته پژوهش با مجموعه‌ای از گویه‌های مرتبط سنجیده شده‌اند. اجرای هرگونه مدل آماری برای آزمون فرضیه‌هایی پیرامون تحلیل چگونگی روابط بین این متغیرها، مستلزم انجام پردازش‌های مقدماتی مناسبی برای ترکیب و تلفیق این گویه‌ها و محاسبه مقادیری برای این متغیرها به‌صورتی واحد

جدول ۶- توصیف مختصر نخستین عامل‌های استخراجی از مجموعه گویه‌های متغیرها و آزمون نرمال‌بودن آن‌ها

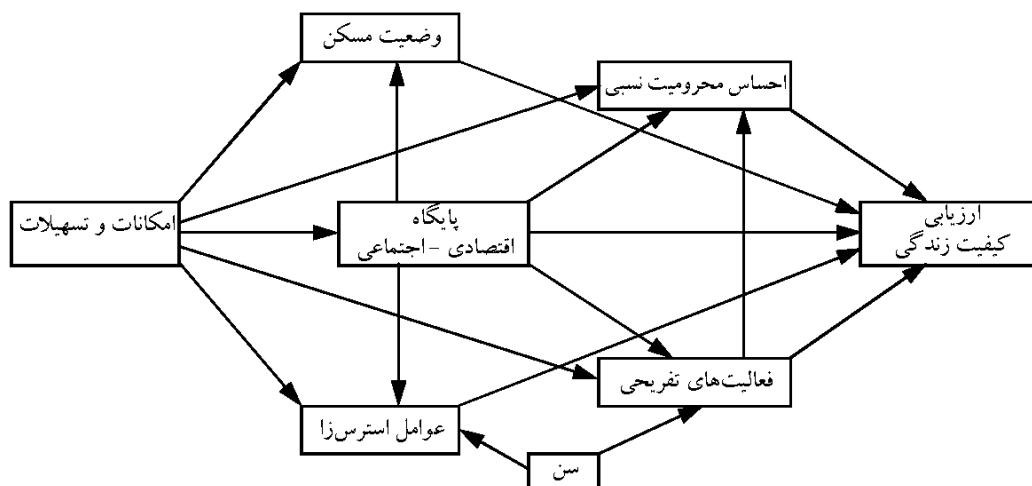
متغیر	توصیف نخستین عامل استخراجی			
	معیار KMO	مقدار ویژه	% تبیین واریانس	آزمون نرمالیته (اسمیرنف-کولموگروف)
				سطح معنی‌داری
امکانات و تسهیلات	۰/۸۵	۵/۸۱	۳۲/۲۶	۰/۰۶۳
وضعیت محیط	۰/۷۵	۲/۹۲	۳۲/۲۵	۰/۰۳۹
وضعیت مسکن	۰/۸۴	۳/۳۸	۵۶/۳۳	۰/۰۶۳
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	۰/۸۰	۴/۵۳	۳۳/۴۰	۰/۰۵۹
سرمایه‌های اجتماعی	۰/۷۲	۳/۱۸	۳۵/۳۰	۰/۰۵۱
احساس محرومیت نسبی	۰/۷۰	۲/۸۲	۲۵/۶۵	۰/۰۷۳
عوامل استرس‌زا	۰/۸۵	۴/۵۸	۳۸/۱۶	۰/۰۵۸
فعالیت‌های تفریحی	۰/۷۹	۳/۲۵	۴۰/۵۳	۰/۰۶۴
ارزیابی کیفیت زندگی	۰/۸۳	۵/۲۵	۲۲/۸۰	۰/۰۶۷

حذف متغیرهای بی‌تأثیر، این عملیات تا رسیدن به آخرین متغیر وابسته ادامه پیدا می‌کند. بدین ترتیب آخرین متغیر یا متغیرها همان متغیرهای بیرونی مدل مسیر خواهند بود (منصورفر، ۱۳۸۵: ۲۳۴). ترکیب دو روش فوق در مطالعه حاضر به مدل تحلیلی- مفهومی شکل ۲ به‌عنوان مدل مسیر نهایی بین متغیرهای پژوهش منجر شد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، دو متغیر «وضعیت محیط» و «سرمایه‌های اجتماعی» به مدل مسیر نهایی راه نیافت و «سن» و «امکانات و تسهیلات» نیز دو متغیر بیرونی مدل و فقط با تأثیر غیرمستقیم بر متغیر وابسته اصلی مدل (ارزیابی از کیفیت زندگی) شناخته شدند. از میان دیگر متغیرهای درونی مدل نیز وضعیت مسکن، عوامل استرس‌زا و احساس محرومیت نسبی، تنها تأثیر مستقیم بر ارزیابی از کیفیت زندگی داشته‌اند و درمقابل، متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی و فعالیت‌های تفریحی هم به‌گونه مستقیم و هم غیرمستقیم بر ارزیابی افراد از کیفیت زندگی‌شان تأثیر داشته‌اند.

مدل‌سازی ساختاری تبیین عوامل مؤثر بر ارزیابی از کیفیت زندگی به کمک تحلیل مسیر

تدوین مدل تحلیلی - مفهومی مطالعه

پیشتر اشاره شد آرایش متغیرها و رسم نمودار در تحلیل مسیر با استنتاج پژوهشگر از چارچوب نظری پژوهش درباره موقعیت، برای رابطه و نظم علی و تقدم و تأخر متغیرهای مؤثر در ایجاد مدل معین انجام می‌شود. در صورتی که پژوهشگر، استدلال نظری محکمی برای آرایش متغیرها نداشته باشد، یکی از راه‌ها برای تعیین نحوه آرایش متغیرها استفاده از رگرسیون چندگانه است. در این روش ابتدا یک متغیر (متغیر وابسته اصلی) به‌عنوان متغیر وابسته و بقیه به‌عنوان متغیرهای مستقل وارد مدل رگرسیون می‌شوند. در مرحله بعد با حذف متغیرهای مربوط به ضرایب غیرمعنی‌دار، از میان متغیرهای باقیمانده، متغیر مربوط به بزرگ‌ترین ضریب به‌عنوان متغیر وابسته و بقیه به‌عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته می‌شود و با حل متوالی مدل‌های رگرسیونی مختلف و

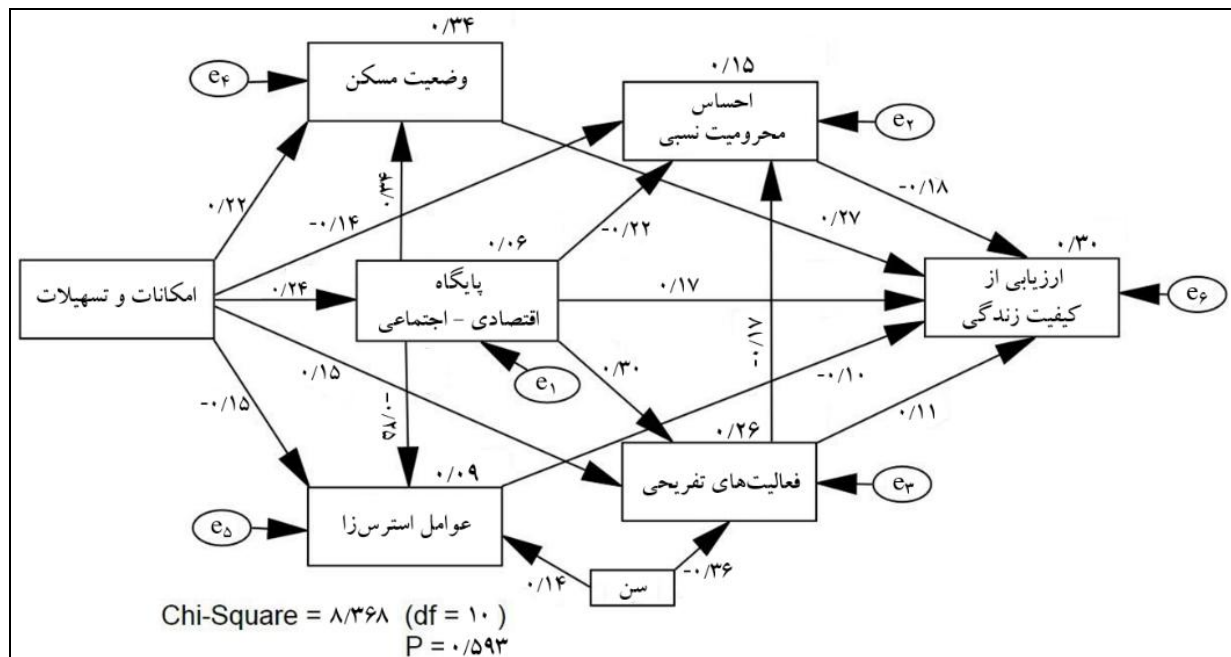


شکل ۲- مدل تحلیلی - مفهومی مطالعه

آن خطاهای اندازه‌گیری از محاسبات مربوط به متغیرهای مشاهده‌شده حذف شده است، در قالب واریانس متغیرهای درونی، ضرایب مسیر و مقدار کای اسکور مدل همراه با درجه آزادی و سطح معنی‌داری آن در شکل ۳ آمده است.

مسیریابی علی و برآورد ضرایب مسیر در مدل ساختاری تحلیل

نتایج اجرای مدل مسیر شناسایی شده و حل آن در محیط نرم‌افزار Amos Graphics به‌عنوان یک مدل ساختاری که در



شکل ۳ - برآوردهای حاصل از حل مدل مسیر ساختاری ارزیابی و تبیین عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی

تحت تأثیر قرار می‌دهند. گذشته از روابط علی مستقیم و غیرمستقیم بین هفت متغیر درونی و بیرونی مدل با ارزیابی از کیفیت زندگی، بین خود آن‌ها نیز با پنج مدل رگرسیونی علی، دوازده مسیر تأثیرگذاری مستقیم و هشت مسیر تأثیرگذاری غیرمستقیم تشخیص داده شده است. نتایج حاصل درباره ضرایب رگرسیونی مسیرهای مستقیم (آثار مستقیم) و سطح معنی‌داری آن‌ها، همراه با مجموع آثار غیرمستقیم و در نتیجه آثار کل شش مدل مسیر علی که در مجموع، مدل ساختاری تحلیل را تشکیل می‌دهند، در جدول ۷ یک‌جا و به صورت خلاصه آمده است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، به‌جز ارزیابی افراد از کیفیت زندگی به‌عنوان متغیر وابسته اصلی، پنج متغیر درونی ذکر شده نیز با ایفای نقش دوگانه، علاوه بر آنکه به‌عنوان متغیرهای مستقل بر کیفیت زندگی مستقیم و غیرمستقیم تأثیر می‌گذارند، در نقش‌های میانه وابسته‌ای، از دیگر متغیرهای درونی و همچنین دو متغیر بیرونی تأثیر نیز می‌پذیرند؛ به عبارت دیگر مدل ساختاری حاصل، ترکیب و تلفیقی از چندین مدل مسیر چندمتغیره است. پنج متغیر درونی مدل علاوه بر آنکه از پنج مسیر مستقیم بر ارزیابی از کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارند، همراه با دو متغیر بیرونی از بیست مسیر غیرمستقیم نیز آن را به‌دلیل روابط علی موجود بین خود

جدول ۷- برآوردهای رگرسیونی (آثار مستقیم) و آثار غیرمستقیم مسیرهای علی در مدل‌های ساختاری تحلیل

سن	متغیرهای مستقل (تأثیرگذار)				فعالیت‌های تفریحی	احساس محرومیت نسبی	عوامل استرس‌زا	پایگاه اقتصادی اجتماعی	وضعیت مسکن	امکانات و تسهیلات	مدل‌های تحلیل مسیر برای:
	وضعیت مسکن	امکانات و تسهیلات	پایگاه اقتصادی اجتماعی	عوامل استرس‌زا							
۰	۰/۲۷	۰	۰/۱۷	-۰/۱۰	۰/۱۱	-۰/۱۸	-۰/۱۰	۰/۱۷	۰/۲۷	۰	اثر رگرسیونی مستقیم
۰	(۰/۰۰)	۰	(۰/۰۰۲)	(۰/۰۲۵)	(۰/۰۳۴)	(۰/۰۰)	(۰/۰۲۵)	(۰/۰۰۲)	(۰/۰۰)	۰	ارزیابی کیفیت (سطح معنی‌داری)
-۰/۰۹	۰/۱۹	۰	۰/۲۲	۰	۰/۱۰	۰	۰	۰/۲۲	۰/۱۹	-۰/۰۹	زندگی
-۰/۰۹	۰/۱۹	۰/۲۸	۰/۳۹	-۰/۱۰	۰/۲۱	-۰/۱۸	-۰/۱۰	۰/۳۹	۰/۱۹	-۰/۰۹	آثار کل
-۰/۳۶	۰/۱۵	۰	۰/۳۰	۰	۰	۰	۰	۰/۳۰	۰/۱۵	-۰/۳۶	اثر رگرسیونی مستقیم
(۰/۰۰)	(۰/۰۰۳)	۰	(۰/۰۰)	۰	۰	۰	۰	(۰/۰۰)	(۰/۰۰۳)	(۰/۰۰)	فعالیت‌های
۰	۰/۰۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰/۰۷	۰	تفریحی
-۰/۳۶	۰/۲۲	۰	۰/۳۰	۰	۰	۰	۰	۰/۳۰	۰/۲۲	-۰/۳۶	آثار کل
۰	-۰/۱۴	۰	-۰/۲۲	۰	-۰/۱۷	۰	۰	-۰/۲۲	-۰/۱۴	۰	اثر رگرسیونی مستقیم
۰	(۰/۰۰۷)	۰	(۰/۰۰)	۰	(۰/۰۰۲)	۰	۰	(۰/۰۰)	(۰/۰۰۷)	۰	احساس
۰/۰۶	-۰/۰۹	۰	-۰/۰۵	۰	۰	۰	۰	-۰/۰۵	-۰/۰۹	۰/۰۶	محرومیت
۰/۰۶	-۰/۲۳	۰	-۰/۲۷	۰	-۰/۱۷	۰	۰	-۰/۲۷	-۰/۲۳	۰/۰۶	نسبی
۰/۱۴	-۰/۱۵	۰	-۰/۲۵	۰	۰	۰	۰	-۰/۲۵	-۰/۱۵	۰/۱۴	اثر رگرسیونی مستقیم
(۰/۰۰۸)	(۰/۰۰۴)	۰	(۰/۰۰)	۰	۰	۰	۰	(۰/۰۰)	(۰/۰۰۴)	(۰/۰۰۸)	عوامل
۰	-۰/۰۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	-۰/۰۶	۰	استرس‌زا
۰/۱۴	-۰/۲۱	۰	-۰/۲۵	۰	۰	۰	۰	-۰/۲۵	-۰/۲۱	۰/۱۴	آثار کل
۰	۰/۲۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰/۲۴	۰	اثر رگرسیونی مستقیم
۰	(۰/۰۰)	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	(۰/۰۰)	۰	پایگاه
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	اقتصادی
۰	۰/۲۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰/۲۴	۰	اجتماعی
۰	۰/۲۲	۰	۰/۳۴	۰	۰	۰	۰	۰/۳۴	۰/۲۲	۰	اثر رگرسیونی مستقیم
۰	(۰/۰۰)	۰	(۰/۰۰)	۰	۰	۰	۰	(۰/۰۰)	(۰/۰۰)	۰	وضعیت مسکن
۰	۰/۱۴	۰	۰/۰۸	۰	۰	۰	۰	۰/۰۸	۰/۱۴	۰	آثار غیرمستقیم
۰	۰/۳۶	۰	۰/۴۲	۰	۰	۰	۰	۰/۴۲	۰/۳۶	۰	آثار کل

تفریحی و ترمیمی کمتر می‌شود. با توجه به اثرگذاری فعالیت‌های تفریحی بر احساس محرومیت نسبی، علاوه بر آنکه سن بر این متغیر نیز تأثیر غیرمستقیم منفی دارد، بر اساس مدل مسیر شکل ۲ از سه مسیر غیرمستقیم بر ارزیابی از کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارد. هر سه تأثیر، غیرمستقیم و در نتیجه مجموع آن‌ها تأثیری منفی است؛ یعنی در سنین بالاتر و در مواجهه مستقیم و چالش بیشتر با مسؤلیت‌ها و مشکلات زندگی، افراد تلویحاً و به‌طور غیرمستقیم کیفیت زندگی را پایین‌تر ارزیابی کرده‌اند. مسیریابی ساختاری فوق

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، سن و امکانات و تسهیلات، دو متغیر بیرونی مدل هستند؛ یعنی تغییرات آن‌ها با متغیرهایی خارج از مدل تبیین می‌شود و بدون آنکه از هیچ متغیر مدل تأثیر بپذیرند، بر متغیرهای دیگر (متغیرهای درونی) و بر متغیر وابسته اصلی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تأثیر می‌گذارند. سن فقط با دو متغیر عوامل استرس‌زا (به‌صورت مثبت) و فعالیت‌های تفریحی (به‌صورت منفی) رابطه مستقیم دارد؛ یعنی با افزایش سن افراد هم نگرانی‌های آن‌ها بیشتر و هم توان، امکان و انگیزه آن‌ها برای پرداختن به فعالیت‌های

همچنین مانند همه متغیرهای درونی دیگر، از متغیر بیرونی سطح دسترسی به امکانات و تسهیلات، تأثیر مستقیم می‌پذیرد. مقیاس پایگاه اقتصادی - اجتماعی به‌عنوان مهم‌ترین و اثرگذارترین متغیر مدل ساختاری تحلیل (هم به‌لحاظ میزان و هم به‌لحاظ مسیرهای اثرگذاری)، به‌شرحی که در جدول ۴ آمده، از سه مؤلفه تحصیلات، شغل و درآمد تشکیل شده و به‌لحاظ اهمیت، در طراحی پرسش‌ها و گویه‌های مربوط، در هر دو سطح فرد و خانوار سنجیده شده است. همان‌طور که انتظار می‌رود این متغیر اساسی علاوه بر تأثیر مستقیم مثبت بر ارزیابی از کیفیت زندگی، بر متغیرهای درونی وضعیت مسکن و فعالیت‌های تفریحی نیز اثر مستقیم مثبت و بر متغیرهای احساس محرومیت نسبی و عوامل استرس‌زا اثر مستقیم منفی دارد؛ زیرا این دو متغیر خود نیز به‌طور منفی کیفیت زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در نهایت آثار غیرمستقیم پایگاه اقتصادی - اجتماعی بر ارزیابی از کیفیت زندگی نیز همگی مثبت هستند؛ به عبارت دیگر بهبود و ارتقای پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد با کاستن از احساس محرومیت نسبی و عوامل نگران‌کننده و استرس‌زا، آثار منفی و کاهنده آن‌ها بر کیفیت زندگی‌شان را هم کاهش می‌دهد.

از میان چهار متغیر درونی دیگر مدل نیز وضعیت مسکن و فعالیت‌های تفریحی به‌گونه مثبت و احساس محرومیت نسبی و عوامل استرس‌زا به‌گونه منفی، ارزیابی افراد از کیفیت زندگی‌شان را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار داده‌اند. این متغیرها که دو متغیر امکانات و تسهیلات و پایگاه اقتصادی - اجتماعی با آن‌ها بر کیفیت زندگی تأثیر غیرمستقیم داشته‌اند، خودشان به غیر از آثار مستقیم، از مسیر غیرمستقیم دیگری بر ارزیابی از کیفیت زندگی تأثیر نداشته‌اند. این وضعیت در رابطه با متغیر فعالیت‌های تفریحی متفاوت است و علاوه بر آنکه به‌طور مستقیم، تأثیری مثبت بر ارزیابی از کیفیت زندگی افراد دارد و متغیرهای امکانات و تسهیلات، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و سن نیز با آن بر ارزیابی کیفیت زندگی افراد تأثیر غیرمستقیم دارند، خود نیز با متغیر احساس محرومیت نسبی،

درواقع تبیین علی همین نتیجه در جدول ۵ به‌صورت توصیفی است که میانگین ارزیابی کلی از کیفیت زندگی در دو گروه سنی پایین‌تر و بالاتر از میانه (۳۰ سال) را به‌ترتیب برابر با ۳/۲۱ و ۳/۱۷ نشان می‌دهد.

نکته در خور توجه در رابطه با متغیر امکانات و تسهیلات اینست که بر همه متغیرهای مستقل درونی مدل تأثیر مستقیم دارد و بنابراین از مسیرهای زیادی به‌طور غیرمستقیم بر متغیر وابسته اصلی یعنی ارزیابی افراد از کیفیت زندگی نیز تأثیر می‌گذارد؛ اما مسیر و تأثیر مستقیم بر آن ندارد؛ به عبارت دیگر اگرچه در نگاه نخست (در اجرای نخستین مدل رگرسیونی با حضور همه متغیرهای دیگر)، چنین به نظر می‌رسد که تأثیری بر ارزیابی کیفیت زندگی نداشته باشد؛ درواقع تأثیر مثبت خود را با همه متغیرهای دیگر مدل بر آن اعمال می‌کند. پایگاه اقتصادی - اجتماعی، وضعیت مسکن، عوامل استرس‌زا، احساس محرومیت نسبی و فعالیت‌های تفریحی که همگی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم کیفیت زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، پیش از آن و به‌طور مستقیم تحت تأثیر سطح و میزان دسترسی به امکانات و تسهیلات مختلف هستند. از این میان بر احساس محرومیت نسبی و عوامل استرس‌زا، اثر منفی دارد و وضعیت مسکن، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و فعالیت‌های تفریحی، تحت تأثیر مثبت آن قرار دارند.

وضعیت یا پایگاه اقتصادی - اجتماعی^۱ (SES) در هسته و مرکز مدل علی و ساختاری به‌دست آمده برای تبیین و تحلیل ارزیابی افراد از کیفیت زندگی‌شان^۲ (SEQOL) قرار می‌گیرد و علاوه بر تأثیر مستقیم بر ارزیابی از کیفیت زندگی، با تأثیر مستقیمی که بر دیگر متغیرهای تأثیرگذار درونی مدل دارد، به روش‌های مختلفی به‌طور غیرمستقیم نیز بر کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارد. به این ترتیب همان‌گونه که جدول ۷ نشان می‌دهد، در مجموع آثار مستقیم و غیرمستقیم، بیشترین اثر کل (با ضریب ۰/۳۹) را بر ارزیابی از کیفیت زندگی دارد.

^۱ SES: socio-economic status

^۲ RSEQOL: rural self-evaluation quality of life

کیفیت زندگی افراد را به‌طور غیرمستقیم نیز تحت تأثیر قرار داده است. احساس محرومیت نسبی را به‌طور منفی تحت تأثیر قرار داده است (با افزایش فعالیت‌های تفریحی، این احساس کمتر بوده است) و احساس محرومیت نسبی نیز به‌طور منفی بر کیفیت زندگی تأثیر داشته است (با تشدید این احساس، کیفیت زندگی پایین‌تر ارزیابی شده)؛ بنابراین تأثیر غیرمستقیم فعالیت‌های تفریحی بر کیفیت زندگی نیز مانند تأثیر مستقیم آن مثبت بوده است. جدول ۷ مجموع این آثار مستقیم و غیرمستقیم را برابر با ۰/۲۱ نشان می‌دهد.

سنجش اعتبار مدل علی - ساختاری تحلیل و برآوردهای حاصل از آن
شاخص‌های برازش
مدل‌سازی‌های ساختاری در پیمایش‌های اجتماعی در واقع

تلاش برای تبیین واقعیت‌ها و پدیده‌های مورد مطالعه با تطابق داده‌های تجربی گردآوری شده پیرامون آن‌ها با الگوهای نظری است. به‌کارگیری این‌گونه مدل‌سازی‌ها در تحلیل مسیر، تبیین نظری روابط علی بین آن‌ها را نیز میسر می‌کند. از این‌رو بخش مهمی از نتایج و خروجی‌های تحلیل‌های ساختاری، مجموعه شاخص‌هایی هستند که با عنوان کلی شاخص‌های برازش، معیارهایی برای تأیید مدل‌های نظری تدوین شده با استفاده از داده‌های گردآوری شده محسوب می‌شوند. این شاخص‌ها، برازش داده‌های تجربی و در واقع میزان مطابقت تغییرپذیری و روابط متقابل موجود بین پدیدارهای مورد مطالعه را با مدل‌های نظری می‌سنجند. جدول ۸ مقادیر برخی از مهم‌ترین شاخص‌های برازش مدل علی-ساختاری برآورد و تبیین شده در شکل ۲ را همراه با مقادیر معیار آن‌ها برای تصمیم‌گیری نشان می‌دهد.

جدول ۸- شاخص‌های برازش سنجش اعتبار مدل علی - ساختاری ارزیابی کیفیت زندگی روستایی

شاخص‌های برازش									
مدل مسیر نهایی									
RMSEA	PRATIO	CFI	NFI	GFI	RMR	Sig.	Df	CMIN	ارزیابی کیفیت زندگی
۰	۰/۳۶	۱	۰/۹۸	۰/۹۹	۰/۰۲۵	۰/۵۹	۱۰	۸/۳۷	مقادیر تجربی مدل
<۰/۰۵	۰ - ۱	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	≈ ۰	>۰/۰۵	-	-	مقادیر معیار پیشنهادی*

* (Lai & Lin, 2008؛ هومن، ۱۳۸۴؛ قاسمی، ۱۳۸۹)

گزارش شده حاصل از اجرای آن است. مهم‌ترین شاخص از این میان، شاخص کای اسکوتر است که هرچه کوچک‌تر باشد، نشانه برازش بیشتر مدل با داده‌ها است. مبنای محاسبه این شاخص، تفاوتی است که بین ماتریس واریانس-کوواریانس نمونه‌ای حاصل از متغیرهای مشاهده‌شده^۱ و ماتریس واریانس-کوواریانس بازتولید شده بر مبنای پارامترهای برآورد شده در مدل تدوین شده^۲ وجود دارد (قاسمی، ۱۳۸۹).

^۱ sample moment

^۲ implied moment

بی‌آنکه مفهوم ضمنی هر کدام از شاخص‌های فوق را بررسی کنیم، تنها به این نکته بسنده می‌کنیم که این شاخص‌ها در سه گروه شاخص‌های برازش مطلق (CMIN) یا کای اسکوتر، RMR: ریشه دوم مربعات باقیمانده و GFI: شاخص نیکویی برازش، شاخص‌های برازش تطبیقی (NFI): شاخص نرمال شده بنتلر- بونت و CFI: برازش تطبیقی) و شاخص‌های برازش مقتصد (PRATIO: نسبت صرفه‌جویی و RMSEA: ریشه میانگین مربعات خطای برآورد) تقسیم‌بندی می‌شوند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود تمامی ۷ شاخص فوق، برازش بسیار خوب مدل تدوین شده را با داده‌های گردآوری شده تأیید می‌کند و نشان‌دهنده اعتبار نتایج

استفاده از ضرایب مسیر برآورد شده مدل بررسی می‌کنیم.

بازسازی ساختار واریانس - کواریانس

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد اساس تمامی محاسبات و برآوردها در تحلیل‌های ساختاری به ماتریس کواریانس‌های بین متغیرهای مشاهده‌شده و ترکیب‌زدایی این کواریانس‌ها برمی‌گردد (فاسمی، ۱۳۸۹: ۹۵) و با بازتولید این ماتریس بر اساس پارامترهای برآورد شده، می‌توان آزمون مدل‌های نظری‌ای که مدل‌های مسیر بر اساس آن‌ها شکل می‌گیرند و رد یا قبول آن‌ها را بررسی کرد. جدول ۹ نتایج این تحلیل را نشان می‌دهد.

و ماتریس دوم، برآوردی از ساختار واریانس - کواریانس این متغیرها در یک جامعه آماری نامحدود است؛ بنابراین بیشتر بودن سطوح معنی‌داری مقادیر کای اسکوتر از ۰/۰۵ (خواه در مدل‌های اندازه‌گیری و خواه در مدل‌های ساختاری) به معنی نبود تفاوت معنی‌دار یا نزدیکی مقادیر این دو ماتریس است و نشانه‌ای از مطلوبیت و اعتبار مدل تدوین شده بر مبنای داده‌های جمع‌آوری شده تلقی می‌شود (امینی فسخودی و هادی‌نژاد، ۱۳۹۰). این مقدار در مدل تدوین و اجرا شده پژوهش بیش از ۰/۵۹ بوده است. بر اساس این، در ادامه برای آزمون بیشتر اعتبار مدل و به‌عنوان خروجی دیگری از تحلیل، نتایج حاصل از بازسازی ساختار کواریانس بین متغیرها را با

جدول ۹- همبستگی‌های اولیه (پایین قطر) و بازسازی شده (بالای قطر) بین متغیرها بر اساس مدل علی-ساختاری تحلیل مسیر

متغیرهای نهایی مدل تحلیل مسیر	امکانات و تسهیلات	پایگاه اقتصادی و اجتماعی	وضعیت مسکن	احساس محرومیت نسبی	عوامل استرس‌زا	فعالیت‌های تفریحی	ارزیابی کیفیت زندگی
امکانات و تسهیلات	۱	۰/۲۳۹	۰/۳۵۲	-۰/۲۳۱	-۰/۰۹۴	۰/۲۱۶	۰/۱۹۱
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	۰/۲۳۹**	۱	۰/۴۷۹	-۰/۳۱۱	-۰/۲۱۱	۰/۳۳۲	۰/۴۱۱
وضعیت مسکن	۰/۳۶۵**	۰/۴۷۹**	۱	-۰/۲۲۶	-۰/۰۷۷	۰/۴۱۲	۰/۴۴۶
احساس محرومیت نسبی	-۰/۲۳۴**	-۰/۳۱۱**	-۰/۲۲۵**	۱	۰/۰۵۰	-۰/۲۷۴	-۰/۳۲۵
عوامل استرس‌زا	-۰/۰۸۷	-۰/۲۱۱**	-۰/۰۰۳	۰/۰۱۹	۱	-۰/۱۰۰	-۰/۱۸۰
فعالیت‌های تفریحی	۰/۲۳۴**	۰/۳۳۱**	۰/۴۱۶**	-۰/۲۷۷**	-۰/۰۵۳	۱	۰/۳۳۵
ارزیابی کیفیت زندگی	۰/۱۶۶**	۰/۴۱۳**	۰/۴۴۰**	-۰/۳۱۹**	-۰/۱۴۳**	۰/۳۳۴**	۱

* معنی‌داری در سطح ۹۵ درصد؛ ** معنی‌داری در سطح ۹۹ درصد

تحلیل مسیر در شناسایی و تحلیل ساز و کار این روابط و تأثیرات از سوی دیگر است. تحلیل‌های ارائه‌شده در قسمت قبل، در واقع تبیینی از نحوه و مسیر(های) اثرگذاری‌های پیچیده همبستگی‌های فوق است که در صورت اولیه خود چیزی جز میزان و جهت رابطه بین متغیرها را بیان نمی‌کنند. با تحلیل همزمان این نتایج و ضرایب گزارش شده در جدول ۷ به‌نحوه ترکیب‌زدایی^۱ از ضرایب همبستگی بین متغیرها به‌عنوان رویکرد بنیادین مدل‌سازی‌های ساختاری برای یافتن و تبیین مسیرهای علی می‌توان پی برد. چنین تحلیلی فراتر از

مطابق نتایج فوق، بین همبستگی‌های نخستین متغیرها و مقادیر بازسازی شده آن‌ها بر اساس ساختار واریانس و کواریانس حاصل از شناسایی و حل مدل علی روابط ساختاری بین آن‌ها، هماهنگی و تطابق کامل دارد. این تطابق بار دیگر اعتبار بسیار زیاد مدل ساختاری تحلیل مسیر مزبور را نشان می‌دهد. دقت در همبستگی‌های فوق همراه با در نظر گرفتن و تحلیل همزمان آن‌ها، متضمن نکات جالبی پیرامون نحوه اثرگذاری‌های آشکار و پنهان بین متغیرهای مورد مطالعه از یکسو و چگونگی عملکرد و کارایی روش‌های آماری پیشرفته‌ای همچون مدل‌های ساختاری و

^۱ decomposition

اهداف و حوصله مقاله حاضر بوده و نیازمند طرح و بحث جداگانه‌ای است.

نتیجه

انسان‌ها همزمان و به موازات زندگی روی زمین که به‌مدد عوامل و نیروهای طبیعت و با بهره‌گیری از امکانات جهان فیزیکی انجام می‌شود، در دنیای درون و با اندیشه‌ها، ادراک‌ها، احساسات و آرمان‌های خود نیز زندگی می‌کنند؛ به عبارت دیگر آنچه را زندگی می‌نامیم و آن تجربه‌ای را که زیستن می‌دانیم، یکسره در دنیای فیزیکی و عینی بیرون و متأثر از مؤلفه‌های بی‌شمار آن اتفاق نمی‌افتد. گستره و کیفیت این تجربه یگانه، برآمده و متأثر از جهان و امکانات غیرفیزیکی دیگری در درون با مقولات و کیفیاتی از جنس اندیشه و ادراک و احساس نیز است. آنچه اهمیت دارد یکپارچگی و درهم‌تنیدگی این دو زیست‌جهان انسانی و تأثیر و تأثر متقابلی است که بین عناصر این دو جهان برقرار و همواره در حال تغییر و تحول است و نتیجه آن یگانه‌بودن تجربه حیات است. تجربه‌ای که در مقام سنجش و ارزیابی، از آن به «کیفیت زندگی» می‌توان تعبیر کرد.

معیشت همراه با مشقت، ناملایمت‌های طبیعت، فقر و پریشانی، از گذشته‌های دور همواره با زندگی مردمان و جوامع روستایی این سرزمین عجین بوده و بر کیفیت آن تأثیرات ژرفی داشته است. اگرچه وقوع انقلاب صنعتی در سده‌های نزدیک و پیدایش اندیشه‌های توسعه و برنامه‌ریزی به شیوه مدرن، پیشرفت‌های در خور توجهی را برای جوامع روستایی به همراه آورده است؛ همزمان با پدیدآمدن و گسترش شیوه جدیدی از سکونت و معیشت به‌شکل شهرنشینی و پیش‌بردن و تقویت به‌مراتب بیشتر آن نسبت به زندگی و سکونت روستایی، نابرابری‌ها و بی‌تعادلی‌هایی را بین این فضاها به وجود آورده و به آن‌ها دامن زده است. تأثیرات منفی این نابرابری‌ها بر ارزیابی مردمان روستایی از کیفیت زیستن در جوامع روستایی، چه بسا از آثار مثبت و

نخستین این‌گونه توسعه‌های فیزیکی و کالبدی، بیشتر بوده و هست. در دوران اخیر و با پیدایش و خیزش فراگستر موج سوم -انقلاب اطلاعات و ارتباطات- و مدرنیته پی‌آمد آن، بر گستره این نابرابری‌ها چنان افزوده شده که جوامع انسانی در ساختاری سلسله‌مراتبی، عملاً به مراکز تقسیم شده‌اند که خاستگاه این موج یا گیرندگان و انتقال‌دهندگان دست دوم و چندم امواج مدرنیته ناشی از آن هستند و حاشیه‌های بسیار بیشتری که در پیرامون این مراکز واقع شده و صرفاً مصرف‌کننده‌ها و یا حتی تماشاگران کرانه‌های این امواج و تولیدات بی‌شمار مادی و غیرمادی آن هستند. مسلماً جوامع روستایی به‌ویژه در ممالک و کشورهای به اصطلاح جهان سومی، پیرامونی‌ترین بخش‌های جوامع بشری محسوب می‌شوند و در پایین‌ترین رده این سلسله‌مراتب نامیون قرار دارند. چنین وضعیتی با پیشینه و حافظه تاریخی انباشته از محرومیت‌های دیرینه و نابرابری‌های ریشه‌دار، واقعیت بیرونی و ادراک درونی مردمان و جوامع روستایی را از تجربه حیات یا همان کیفیت زیست و زندگی‌شان در هر دو زیست‌جهان فیزیکی (محیطی و سکونتگاهی) و اندیشگی آنان، از راه‌های بسیاری، سراسر است و ناسرراست و با درجات متفاوتی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در مطالعه حاضر، برای جامعیت سنجش ارزیابی مردمان روستایی از کیفیت زندگی‌شان، معیارها و مؤلفه‌های متعددی در رابطه با وجوه عینی و ذهنی زندگی در قلمروهای محیط بیرونی و ادراک‌ها و اندیشه‌های درونی، شناسایی و عملیاتی شد. متغیرهای متعددی نیز هم در رابطه با عوامل محیطی، اقتصادی و اجتماعی و هم در سطوح فردی و جمعی به‌عنوان متغیرهای مستقل برای بررسی و تحلیل تأثیرپذیری‌های ارزیابی از کیفیت زندگی، شناسایی و عملیاتی شد. تحلیل روابط پیچیده و چندگانه بین متغیرهای تأثیرگذار و چگونگی تأثیرات متفاوت و سراسر است و ناسرراست آن‌ها بر ارزیابی از کیفیت زندگی به‌کمک رویکردهای پیشرفته آماری مدل‌سازی معادلات ساختاری و تحلیل مسیر انجام و نتایج حاصل

با متغیرهایی تبیین می‌شود که خارج از مدل واقع شده و در چارچوب مدل تحلیل نمی‌شوند) در تحلیل‌های انجام‌شده و نتایج حاصل از آن‌ها داشته است. تجربه چندین دهه برنامه‌ریزی‌های فیزیکی، کالبدی و زیربنایی برای توسعه جوامع روستایی در کشور و نتایج نه‌چندان مطلوبی که از این رهگذر برای ارزیابی این رویکرد در توسعه روستایی پیش روی ما است، بسیاری از صاحب‌نظران را به لزوم تغییر در پارادایم توسعه روستایی از محوریت رویکردهای فضایی-کالبدی در دهه‌های اخیر به رهیافت‌های اقتصادی و اجتماعی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان روستایی باورمند کرده است. ناکامی در دستیابی به اهداف تعریف‌شده برای توسعه روستاها در اثر پرداختن گسترده و یک‌جانبه به فعالیت‌های عمرانی و توجه ناکافی به ظرفیت‌سازی‌های تولیدی، اقتصادی و اجتماعی و سوق‌دادن برنامه‌ریزی‌ها به سمت یک نظام پرهزینه خدماتی و مصرفی، باعث شده است لزوم چنین تغییر پارادایمی در نزد برخی دیگر حتی تا حد توقف خدمات‌رسانی به مناطق روستایی باشد. نقش و تأثیر متغیر «امکانات و تسهیلات» در مدل تدوین و تحلیل‌شده این مطالعه نشان داد اگرچه تأثیر آن بر ارزیابی از کیفیت زندگی اولیه و مستقیم نیست؛ با تأثیرات متعدد و غیرمستقیمی که با دیگر متغیرهای مدل بر آن دارد، همچنان از نظر ساکنان مناطق روستایی برای بهبود زندگی آنان دارای اهمیت و ضرورت است. خدمات‌رسانی، تجهیز امکانات و تسهیلات و به‌طور کلی توجه و تأکید یک‌جانبه بر جنبه‌های فیزیکی و کالبدی (که متغیر امکانات و تسهیلات در مطالعه حاضر با این جنبه اشاره دارد) با وجود صرف هزینه‌های سنگین، در فرایند دستیابی جوامع روستایی به توسعه پایدار و ارتقای استانداردهای زندگی، تأثیر چندانی نخواهد داشت و با وجود ضرورت و اولویت، هرگونه برنامه‌ریزی در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی نیز (که متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی معرف آن است) بدون بهبود و ارتقای نظام خدمات‌رسانی و توجه به ابعاد فضایی و کالبدی، موفقیت چندانی در ارتقای

به تفصیل تشریح شد. بدون تکرار دوباره نتایج ذکرشده اما بر اساس آن‌ها، درانتهای مقاله به دو مطلب اساسی دیگر اشاره می‌کنیم که هم برای برنامه‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی و هم برای مطالعات دیگر در رابطه با موضوع این مقاله و موضوعات مرتبط دیگر می‌تواند مفید واقع شود.

از میان متغیرهای مختلفی که با مرور مطالعات پیشین برای پیش‌بینی و تبیین ارزیابی از کیفیت زندگی، شناسایی، سنجش و استفاده شدند، دو متغیر «شرایط محیطی» و «سرمایه‌های اجتماعی» که در اثر تدوین مدل تحلیلی-مفهومی مطالعه به تحلیل‌ها راه نیافتند، در مقابل اغلب متغیرهای اثرگذار دیگر، هر دو متغیرهایی جمعی هستند؛ به عبارت دیگر در نخستین گام تحلیلی و بر اساس داده‌های گردآوری‌شده از نمونه مورد مطالعه، ارزیابی مردمان روستایی از کیفیت زندگی‌شان با متغیرهایی که نظرات آنان را پیرامون مسائل و امور جمعی منعکس می‌کند، همبستگی و رابطه چندانی نداشته و این ارزیابی بیشتر تحت تأثیر نظرات و دیدگاه‌های آنان پیرامون مسائل و امور خود و خانواده‌های‌شان بوده است. این امر می‌تواند نشان دهد در دوران اخیر و بر اثر تحولات اجتماعی گسترده و شگرفی که در عرصه روابط و مناسبات اجتماعی جوامع مدرن رخ داده است، استیلاي فرهنگ و روحیه «فردگرایی»^۱ بر منش و خوی «جمع‌گرایی»^۲ که در گذشته‌های اجتماعات روستایی همواره یکی از ویژگی‌های شاخص به شمار می‌آمده، در میان این اجتماعات نیز رخ داده و رو به گسترش است. ارزیابی و تجربه ملموس و عینی نگارنده نیز قویاً مؤید چنین تحولی است. به این ترتیب، امروزه در نگرش و دیدگاه مردمان روستایی نیز مسائل و مشکلات فردی، مؤلفه‌های تعیین‌کننده‌تر و دغدغه‌های مقدم‌تری بر مسائل و مقتضیات جمعی به‌ویژه در ارزیابی از کیفیت زندگی به شمار می‌آیند. آخرین مطلب اساسی و بسیار مهم به جایگاه و نقش و تأثیری مربوط است که «امکانات و تسهیلات» به‌عنوان متغیر بیرونی مدل (متغیری که واریانس آن

¹ individualism

² collectivism

۶۷.

رکن‌الدین افتخاری، ع.؛ فتاحی، ا. و حاجی‌پور، م. (۱۳۹۰). «ارزیابی توزیع فضایی کیفیت زندگی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان دلفان)»، *پژوهش‌های روستایی*، س ۲، ش ۲: ص ۹۴-۶۹.

رضوانی، م. ر. و منصوریان، ح. (۱۳۸۷). «سنجش کیفیت زندگی با بررسی شاخص‌ها و مدل‌ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی»، *فصلنامه روستا و توسعه*، س ۱۱، ش ۳، ص ۲۶-۱.

رضوانی، م. ر.؛ متکان، ع. ا.؛ منصوریان، ح. و ستاری، م. ح. (۱۳۸۸). «توسعه و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی: شهر نورآباد، استان لرستان)»، *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، س ۱، ش ۲، ص ۸۷-۱۱۰.

علی‌خواه، ف. (۱۳۸۳). *سنجش مفاهیم در علوم اجتماعی*، تهران: نشر جامعه‌شناسان.

غفاری، غ. و اونق، ن. (۱۳۸۵). «سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی (مطالعه موردی: شهر گنبد کاووس)»، *مطالعات اجتماعی ایران*، ش ۱، ص ۱۹۹-۱۵۹.

قاسمی، و. (۱۳۸۹). *مدل‌سازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد Amos Graphics*، تهران: نشر جامعه‌شناسان، چاپ اول.

کلاتری، خ. (۱۳۸۲). *پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی*، تهران: نشر شریف، چاپ اول.

کجباف، م. ب. و رئیس‌پور، ح. (۱۳۸۸). «رابطه بین نگرش مذهبی و سلامت روانی در دانش‌آموزان دبیرستان‌های اصفهان»، *اسلام و روان‌شناسی*، ش ۱، ص ۴۳-۳۱.

ماجدی، س. م. و لهسایی‌زاده، ع. (۱۳۸۵). «بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای، سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی در روستاهای استان فارس».

کیفیت و استانداردهای زندگی در جوامع روستایی ندارد و به پایداری و ماندگاری این جوامع منجر نخواهد شد؛ بنابراین گفتنی است چنانچه خدمات، امکانات و تسهیلات را با درجه کمتری از اهمیت، کالبد برنامه‌های توسعه روستایی در مقابل محتوای اقتصادی و اجتماعی آن‌ها تلقی کنیم، با این حال محتوا و کالبد پدیده‌ها با یکدیگر رابطه متقابل دارند و بر هم تأثیر می‌گذارند. این وابستگی متقابل در رابطه با پدیده‌های جغرافیایی و به‌ویژه مناسبات سکونتگاهی و آن هم سکونتگاه‌های روستایی، به‌نوعی درهم‌تنیدگی و کلیت و یکپارچگی الزام‌آور در مسیر توسعه تبدیل می‌شود، به‌گونه‌ای که غفلت از هرکدام در پرداختن به دیگری، پیمودن صحیح و درست این مسیر را به تأخیر خواهد انداخت.

منابع

امینی فسخودی، ع. و هادی‌نژاد، ب. (۱۳۹۱). «سنجش اثربخشی سازمانی با رویکرد مدل‌سازی معادله‌های ساختاری. پژوهش‌های مدیریت در ایران»، دوره ۱۶، ش ۳، ص ۲۰-۱.

بدری، س. ع.؛ رضوانی، م. ر. و قرنچیک، م. (۱۳۹۲). «سنجش شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان جعفریای جنوبی، شهرستان ترکمن)»، *جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، س ۲۴، ش ۲، ص ۷۴-۵۳.

پورطاهری، م.؛ رکن‌الدین افتخاری، ع. و فتاحی، ا. (۱۳۹۰). «ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان خاوه شمالی، استان لرستان)»، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ش ۷۶، ص ۳۵-۲۹.

ربانی خوراسگانی، ع. و کیانپور، م. (۱۳۸۶). «مدل پیشنهادی برای سنجش کیفیت زندگی (مطالعه موردی: شهر اصفهان)»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی*، س ۱۵، ش ۵۹-۵۸، ص ۱۰۸-

- Across Massachusetts". *The Professional Geographer*, 65 (2): 187-204.
- Riecken, G. Shemwell, D. and Yavas, U. (2000) "Assessing A Place to Live: A Quality of Life Perspective". *Journal of Nonprofit and Public Sector Marketing*, 7(2): 17-29.
- Sharon, L.B. Lana, J.W. Michael, B. and Julie, A.P. (2013) "Socioeconomic Status and Quality of Life in Population-Based Australian Men: Data from the Geelong Osteoporosis Study". *Australian and New Zealand Journal of Public Health*, 37 (3): 226-232.
- Shucksmith, M. Cameron, S. Merridew, T. and Pichler, F. (2009) "Urban-Rural Differences in Quality of Life Across the European Union". *Regional Studies*, 43 (10): 1275-1289.
- Simon, D. Kilnic, A. and Granello, P.F. (2003) "Overall Life Satisfaction and Help Seeking Attitudes of Turkish College Students in the United States: Implications for College Students". *Journal of College Counseling*, 6: 56-68.
- Spellerberg, A. Huschka, D. and Habich, R. (2007) "Quality of Life in Rural Areas: Progress of Divergence and Convergence". *Social Indicators Research*, 83:283-307.
- Triadó, C. Villar, F. Solé, C. Celdrán, M. and Osuna, M.J. (2009) "Daily Activity and Life Satisfaction in Older People Living in Rural Contexts". *The Spanish Journal of Psychology*, 12 (1): 236-245.
- Vemuri, W.A. Morgan, G.J. Wilson, M.A. and Burch, W.R.J. (2009) "A Tale of two Scales: Evaluating the Relationship among Life Satisfaction, Social Capital, Income and the Natural Environment at Individual and Neighborhood Levels in Metropolitan Baltimore". *Environment and Behavior*, 43 (1): 3-25.
- Ventegodt, S. Merrick, J. and Andersen, N.J. (2003a) "Quality of Life Theory I. The IQOL Theory: An Integrative Theory of the Global Quality of Life Concept". *The Scientific World Journal*, 3: 1030-1040.
- Ventegodt, S. Merrick, J. and Andersen, N.J. (2003b) "Quality of Life Theory II. Quality of Life as the Realization of Life Potential: A Biological Theory of Human Being". *The Scientific World Journal*, 3: 1041-1049.
- Ventegodt, S. Merrick, J. and Andersen, N.J. (2003c) "Measurement of Quality of Life III. From the IQOL Theory to the Global, Generic SEQOL Questionnaire". *The Scientific World Journal*, 3: 972-991.
- Ventegodt, S. Merrick, J. and Andersen, N.J. (2003d) "Measurement of Quality of Life IV. Use of the SEQOL, QOL5, QOL1, and Other Global
- فصلنامه روستا و توسعه، س ۹، ش ۴، ص ۱۳۴-۹۱.
- منصورفر، ک. (۱۳۸۵). روش‌های پیشرفته آماری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). سرشماری عمومی نفوس و مسکن، نتایج تفصیلی. (دردسترس در پایگاه اینترنتی sci.org)
- معاونت برنامه‌ریزی استانداری اصفهان. (۱۳۹۰). سالنامه آماری ۱۳۹۰ استان اصفهان، اصفهان.
- معاونت برنامه‌ریزی استانداری کرمان. (۱۳۹۰). سالنامه آماری ۱۳۹۰ استان کرمان، کرمان.
- نایبی، ه. (۱۳۷۵). سنجش میزان احساس خوشبختی سرپرستان خانوارهای تهرانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- Dasgupta, P. and Weal, M. (1992) "On Measuring the Quality of Life". *World Development* 20 (1): 119-131.
- Filson, G.C. Pfeiffer, W.C. Paine, C. and Taylor, J.R. (2003) "The Relationship between Grand River Dairy Farmers' Quality of Life and Economic, Social and Environmental Aspects of their Farming Systems". *Journal of Sustainable Agriculture*, 22 (1): 61-77.
- Helliwell, J. Putnam, R.D. (2004) "The Social Context of Well-Being". *Philosophical Transactions of the Royal Society (London), Series B [Internet]* 359:1435-1446.
- Lai, J.U. and Lin, C.T. (2008) What factors drive corporate customer satisfaction with e-banking services? *PACIS 2008 Proceedings*.
- Larson, R. (1978) "Thirty Years of Research on the Subjective Well-Being of Older Americans". *Journal of Gerontology*, 33: 109-129.
- Lim, C. Putnam, R.D. (2010) "Religion, Social Networks, and Life Satisfaction". *American Sociological Review [Internet]*, 75(6): 914-933.
- O'Brien, D. Wegren, S. and Patsiorkovsky, V. (2010) "Sources of Income, Mental Health and Quality of Life in Rural Russia". *Europe-Asia Studies*, 62 (4): 597-614.
- Ogneva-Himmelberger, Y. Rakshit, R. and Pearsall, H. (2013) "Examining the Impact of Environmental Factors on Quality of Life

-
- and Generic Questionnaires". *The Scientific World Journal*, 3: 992-1001.
- Ventegodt, S. Merrick, J. and Andersen, N.J. (2003e) "Measurement of Quality of Life V. How to Use the SEQOL, QOL5, QOL1, and Other Global and Generic Questionnaires for Research". *The Scientific World Journal*, 3: 1002-1014.
- Zullig, K.J. Valois, R.F. Huebner, E.S. and Drane, J.W. (2005) "Adolescent Health-Related Quality of Life and Perceived Satisfaction with Life". *Quality of Life Research*, 14: 1573-1584.